

Rethinking of Concepts and Approaches to Deal with Water Conflicts

M. Farajzade Arnesa¹, H. Mianabadi^{2*}, and A. Bagheri³

Abstract

Defining conflict is not as simple as counting its instances, and there is no single, comprehensive, and agreed definition of the conflict in the research literature. It has been one of the main and fundamental challenges in the field of conflict studies in general and water conflicts in particular, which is still persisting. The aim of this paper is to rethink the nature and main concepts of conflicts by trying to explain their functions when dealing with water conflicts. Accordingly, using the analytical-descriptive method, this article analyzes and rethinks the nature of conflicts and their main concepts under four main questions. In addition, two major areas used in the studies of water conflicts, namely game theory and the conflict-cooperation approach, have been analyzed in comparison with novel concepts of conflict knowledge. The results reveal that most studies related to water conflicts do not pay attention to nature, main concepts, and features of conflicts. It is also shown that the applied and dominant approaches and perspectives in dealing with water conflicts are in accordance with the traditional philosophy of the early twentieth century. Furthermore, the tools used in this area are also associated with the Cold War period while the traditional philosophical approaches for water conflicts and the use of purely technical tools do not comply with the complex dimensions of conflicts in water systems. The results also show that conflict knowledge has resorted to new tools of conflict analysis/mapping, a concept that is necessary to rely on in dealing with water conflicts.

Keywords: Rethinking, Water Conflicts, Analytical Conflict Mapping, Conflict Knowledge, Conflict Concepts.

Received: May 22, 2020

Accepted: February 18, 2021

بازاندیشی در مفاهیم و رویکردهای مواجهه با مناقشات آبی

میثم فرج‌زاده آرنساء^۱، حجت میان‌آبادی^{۲*} و علی باقری^۳

چکیده

تعریف مناقشه، به سادگی شمردن مصادیق آن نیست و در ادبیات تحقیق، تعریف واحد، جامع و مورد اجماعی برای مناقشه وجود ندارد. نبود تعریف جامع و مورد اجماع برای مناقشه یکی از چالش‌های اصلی و بنیادین در حوزه مطالعات مناقشات به صورت عام و مناقشات آبی بصورت خاص است که امروزه نیز همچنان به قوت خود باقی است. هدف از این مقاله، بازاندیشی در چیستی، ماهیت و مفاهیم اصلی مناقشه با تلاش برای تبیین کارکرد آن در مواجهه با مناقشات آبی است. بر این اساس، این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به واکاوی و بازاندیشی در چیستی و ماهیت مناقشه می‌پردازد و مفاهیم اصلی مناقشه در ذیل چهار سؤال اصلی جمع‌آوری و ارائه می‌شوند. علاوه بر این، دو زمینه عمده مورد استفاده در مطالعات مناقشات آبی، یعنی نظریه بازی‌ها و رویکرد مناقشه-همکاری، در مقایسه با مفاهیم نوین دانش مناقشه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در مطالعات مرتبط با مناقشات آبی به ماهیت و بسیاری از مفاهیم و ویژگی‌های اصلی مناقشه توجه نمی‌شود و رویکردها و دیدگاه‌های غالب در مواجهه با مناقشات آبی، متناسب با فلسفه سنتی مربوط به اوایل قرن بیستم و ابزارهای مورد استفاده در این حوزه نیز از نظر دوره زمانی، مربوط به دوران جنگ سرد است. در حالی که رویکرد فلسفی سنتی به مناقشات آبی و استفاده از ابزار صرفاً تکنیکی، پاسخ‌گوی ابعاد درهم تنیده مناقشات در سیستم‌های آبی نیست. نتایج مطالعات همچنان نشان می‌دهد که در دوره اخیر، دانش مناقشه به ابزارهای نوین تحلیل/نگاشت مناقشه متوسل شده است، مفهومی که امروزه برای مواجهه با مناقشات آبی ضروری جلوه می‌کند و کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: بازاندیشی، مناقشات آبی، نگاشت تحلیلی مناقشه، دانش مناقشه، مفاهیم مناقشه.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۳/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۱/۳۰

1- M.Sc. Graduate of Water Resource Engineering, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: farajzademeysam@modares.ac.ir

2- Assistant Professor, Department of Water Engineering and Management, Tarbiat Modares University, VardAvard, Tehran, Iran. Post Code: 14977-13111, E-mail: Hmianabadi@modares.ac.ir

3- Associate Professor, Department of Water Engineering and Management, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: ali.bagheri@modares.ac.ir

*- Corresponding Author

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی منابع آب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، وردآورد، کدپستی: ۱۴۹۷۷-۱۳۱۱۱

۳- دانشیار گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

*- نویسنده مسئول

بحث و مناظره (Discussion) در مورد این مقاله تا پایان بهار ۱۴۰۰ امکانپذیر است.

دسترسی به آب ایجاد نموده است (Petersen-Perlman et al., 2017). با توجه به این دلایل لازم اما نه کافی، امروزه در نقاط مختلف جهان مناقشات آبی خرد و کلان و کوتاه/بلند مدت متعددی به وقوع پیوسته است. مناقشات مربوط به رود نیل که در میان یازده کشور مشترک است، کمبود آب و نارضایتی‌ها و بروز خشونت در یمن، مناقشات عراق، ترکیه، و سوریه بر سر آب دجله و فرات، مناقشات ایران و افغانستان بر سر هیرمند، پروژه‌های سدسازی و مناقشات آبی حوضه آبریز مکونگ، مناقشات طولانی مدت بین ایالتی در هندوستان بر سر رودخانه کاوری و مناقشات آبی رژیم صهیونیستی با همسایگان خود، نمونه‌هایی از شاخص‌ترین مناقشات آبی در جهان هستند (Detges et al., 2017; Wolf, 2005).

در حالت کلی، بروز مناقشه پیامدهای زیر را به دنبال دارد (Wehr, 2006): ۱) ایجاد سردرگمی قابل توجه، ۲) تغییر ناگهانی تعاملات ذی‌مدخلان، ۳) افزایش سطح عدم قطعیت، ۴) کاهش سطح اعتماد، و ۵) اتخاذ تصمیمات غیرعقلانی و پرهزینه. علاوه بر این موارد، مناقشات آبی در صورت تشدید و عدم مواجهه^۲ کارآمد با آن‌ها، می‌توانند به تهدیدکننده امنیت در تمام سطوح آن مبدل شوند. در همین راستا UN Water (2013) بیان کرد که امنیت آبی در مواجهه با مناقشه متزلزل می‌شود. (Petersen-Perlman et al., 2017) استدلال می‌کنند که امنیت انسانی به شدت وابسته به امنیت آبی است و بدون آن معنای خود را از دست می‌دهد. سایر درجات امنیت نیز از این امر مستثنی نیستند و تهدید امنیت آبی به منزله تهدید تمام سطوح مختلف امنیت (اعم از انسانی، ملی، سیاسی، غذایی و غیره) است. همچنین، Hashemi et al. (2020) نیز به ارتباط شدید آب با امنیت انسانی تأکید دارد. بر همین اساس، امروزه برخی از مناقشات مرتبط با آب به معضلات به‌ظاهر لاینحل بزرگی برای جوامع بشری تبدیل شده‌اند. این مناقشات آبی با درگیر نمودن ذی‌مدخلان خرد و کلان متعدد دولتی و غیردولتی در سطوح مختلف فرملی، ملی و بین‌المللی، تبعات فراوان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی در پی داشته و سیاست‌گذاران و مدیران را در حوزه‌های درون‌مرزی و فرامرزی با چالش‌های بزرگی روبرو کرده‌اند.

مرز سیستم‌های آبی به‌عنوان سیستم‌های درهم تنیده انسانی-طبیعی فراتر از مرز هیدرولوژیکی آن‌ها است. شاید از منظر طبیعی بتوان مرزی را برای هر سیستم آبی مشخص نمود، اما مرزبندی سیستم‌های آبی از منظر انسانی (اقتصادی-اجتماعی، نهادی، حقوقی، هیدروپلیتیکی و حتی فرهنگی-اخلاقی) اگر غیرممکن نباشد، کاری بسیار دشوار است؛ زیرا حوزه تأثیر و تأثر سیستم‌های آبی از منظر انسانی معمولاً بسیار وسیع‌تر از مرز طبیعی آن‌ها است. به بیان دیگر، مرز انسانی

مناقشه^۱ از ابتدای خلقت تا کنون، در عرصه ظهور بوده و در اثبات خود به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز طبیعت (اعم از انسان، حیوان و حتی سایر اشیاء)، به هیچ مرزی از زمان، مکان و موضوع مقید نشده است. به بیان دیگر، هیچ بازه‌ای از زمان، هیچ موقعیتی از مکان و هیچ موضوعی از موضوعات وجود ندارد که بتوان مصونیت آن را از مناقشه ادعا نمود. مناقشه هم از ویژگی‌های ذاتی اجتماع (انسان) و هم از ویژگی‌های ذاتی طبیعت است. بر همین اساس و به دلیل درهم‌تنیدگی انسان و طبیعت در سیستم‌های آبی، مناقشه یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر سیستم‌های آبی به شمار می‌رود.

سیستم‌های آبی- شامل مجموع هر آن چه از جهان هستی که از آب و وضعیت کمی و کیفی آن تأثیر می‌پذیرد یا بر آن تأثیرگذاری قابل توجهی دارد- به عنوان سیستم‌های جفت‌شده درهم‌تنیده انسانی-طبیعی شامل ذی‌مدخلان^۲ متعدد و تعاملات غیرخطی، پویا و تکاملی بین آن‌ها است (Islam and Susskind, 2018; Liu et al., 2007). بر همین اساس و با این دیدگاه، هر سیستم آبی دارای زیرسیستم‌های طبیعی، اقتصادی-اجتماعی، نهادی-حقوقی و هیدروپلیتیکی است (Loucks and Van Beek, 2017; Mianabadi, 2016). البته ذکر این نکته ضروری است که زیرسیستم‌های اقتصادی-اجتماعی، نهادی-حقوقی و هیدروپلیتیکی، جملگی مربوط به جنبه‌های انسانی سیستم‌های آبی است و منظور از زیرسیستم، قسمت‌های مجزا از یکدیگر نیست.

محدودیت دسترسی به آب با کمیت و کیفیت مناسب در اثر توزیع نامتوازن زمانی و مکانی و غیرقطعی آن از یک سو و پیچیدگی‌های ناشی از درهم‌تنیدگی طبیعت و انسان در سیستم‌های آبی از سوی دیگر، فراهم‌کننده شرایط برای تبدیل شدن آب به موضوع، علل، عوامل، بهانه‌ها یا دستاویزهای مناقشات مختلف است. تمام موجودات زنده به دلیل نیازمندی به آب جزء ذی‌مدخلان آب محسوب می‌شوند که انسان در میان آن‌ها از جایگاه، اهمیت و تأثیرگذاری خاصی برخوردار است. تعاملات غیر خطی، پویا و تکاملی این ذی‌مدخلان با طیف وسیعی از فرهنگ‌ها، نیازها، علاقه‌مندی‌ها، ارزش‌ها، باورها و رفتارها، اصلی‌ترین بستر را برای بروز مناقشات آبی مختلف فراهم نموده است. از طرفی اکثریت قریب به اتفاق فعالیت‌ها (اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، بهداشتی و غیره) در هر مقیاس (از فردی تا جهانی) منوط به دسترسی کافی به آب (با کمیت و کیفیت مناسب) است. این در حالی است که دخل و تصرف انسان در سیستم‌های طبیعی و ایجاد تغییر در آن‌ها، خود مشکلاتی را در

سیستم‌های آبی ممکن است از مرز طبیعی آن‌ها بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد و بر همین اساس در سیستم‌های آبی، دامنه مسائل انسانی نیز گسترده‌تر از دامنه مسائل طبیعی است. برای مثال، (Mirnezami and Bagheri, 2017) در ارتباط با حفاظت از منابع آب زیرزمینی بیان می‌کنند که بیشتر از آن که کاری فنی باشد، نیازمند درگیر شدن در ابعاد اجتماعی و سیاسی است.

از سوی دیگر، (Funder et al., 2010) معتقدند یکی از جنبه‌های اساسی و ضروری برای تحقق مدیریت به‌هم‌پیوسته سیستم‌های منابع آب، درک ماهیت مناقشه و نحوه تعامل طیف وسیع ذی‌مدخلان در سیستم‌های آبی است. در نتیجه، مواجهه با مناقشات آبی در تحقق پیشرفت پایدار در سیستم‌های منابع آب امری ضروری است. (Petersen-Perlman et al., 2017) بسیار فراتر رفته و با اشاره به درهم‌تنیدگی مسائل انسانی و طبیعی در سیستم‌های آبی، مدیریت حوضه‌های آبریز را معادل با مدیریت (مواجهه با) مناقشات آبی عنوان کرده‌اند. در همین راستا، آن‌ها بر ظرفیت نهادی تأکید جدی داشته‌اند و معتقد هستند که مؤثرترین راه برای مواجهه با مناقشات آبی افزایش ظرفیت نهادی است.

با توجه به آن‌چه بیان شد، مواجهه کارآمد با مناقشات آبی نیازمند مد نظر قرار دادن هر دو جنبه طبیعی و انسانی سیستم‌های آبی است. از طرفی، جنبه انسانی سیستم‌های آبی (از جمله ابعاد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نهادی و امنیتی) بستر اصلی مناقشات آبی محسوب می‌شود، زیرا در صورت عدم وجود هویت‌های درگیر، مناقشه‌ای نیز وجود نخواهد داشت. این در حالی است که معمولاً جنبه انسانی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از مثال‌های بارز این مسأله، تقلیل ماهیت مناقشات آبی به «رقابت آب‌بران بر سر استفاده هر چه پیش‌تر از منابع آب» است. در حالی که توجه به این نکته ضروری است که مناقشات آبی دسته مجزایی از مناقشات نیستند. مضاف بر این که ماهیت آب و سیستم‌های آبی، علاوه بر این که مناقشه را به جوانب طبیعی محدود و مقید نمی‌کنند (مثلاً به رقابت آب‌بران)، بلکه جوانب^۵ درهم‌تنیده‌تری را وارد معادلات مربوط به مواجهه با مناقشات آبی می‌کنند. مناقشات دو یا چند کشور در ارتباط با مذاکرات و تعهدات، مناقشات مربوط به تصمیمات محرمانه سیاسی در رده‌های بالای مدیریت کشور، مناقشات نهادها، ادارات و سازمان‌های مختلف یک کشور، مناقشات اجتماعی مردمی، مناقشات لفظی مقامات کشور درباره وقایع طبیعی و نمونه‌های دیگری از مناقشه‌ها در حوزه‌های مختلف، اگر در ارتباط با آب و سیستم‌های آبی باشند، مناقشات آبی خواهند بود. در چنین شرایطی که مواجهه علمی، مؤثر و کارآمد با چنین مناقشاتی ضروری جلوه می‌کند، حوزه مطالعه مناقشات آبی با دو دسته چالش

جدی مواجه است: ۱) چالش‌های کلی نظری در حوزه مواجهه با مناقشه (به معنی عام)، و ۲) چالش‌های کلی نظری در حوزه مواجهه با مناقشات آبی (به معنی خاص). بدیهی است که چالش‌های بخش اول، قسمت اعظمی از چالش‌های مناقشات آبی را نیز شامل می‌شوند. ابهام در مفهوم مناقشه به دلیل گسترده بودن دامنه نموده‌های عینی^۶ مناقشه (Aubert, 1963)، منحصر به فرد بودن هر مناقشه به دلیل درجات مختلف درهم‌تنیدگی آن (Jeong, 2008)، نبود تعریف واحد و جامع مورد اجماع برای مناقشه (Lyamouri-Bajja et al., 2013; PBL, 1992; Thomas, 2018)، عدم یکپارچگی و واگرایی مفاهیم و الفاظ به دلیل فرارشته‌ای بودن تحقیقات مربوط به موضوع (Fink, 1968)، واضح نبودن مرز میان مداخلات مختلف (Robbins, 1978)، و نوپایی دانش مناقشه (Sandole et al., 2009)، تعدادی از چالش‌های کلیدی دسته اول در حوزه مواجهه با مناقشه به شمار می‌روند.

توسعه‌دهندگان اصلی مفاهیم در زمینه مناقشه بیشتر محققان رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، و علوم سیاسی هستند (Fink, 1968). محققان علوم دیگر، اعم از علوم و مهندسی آب در واقع بیشتر استفاده‌کنندگان از چنین مفاهیمی هستند. از این‌رو، چالش‌های موجود در علوم توسعه‌دهنده مفاهیم مناقشه، در علوم استفاده‌کننده آن نیز اثرگذار هستند. حوزه مواجهه با مناقشات آبی علاوه بر اثرپذیری غیرمستقیم از چالش‌های مزبور به عنوان چالش‌های بالادستی، با چالش‌های دیگری نیز دست به گریبان است. با چشم‌پوشی از چالش‌های مذکور (که مربوط به علوم توسعه‌دهنده مفاهیم مناقشه است) و صرف توجه به حوزه مواجهه با مناقشات آبی، می‌توان چنین فرضیه‌ای را مطرح کرد که تقریباً سرمنشأ عمده چالش‌های این حوزه «عدم توجه به گستردگی مفاهیم مناقشه و کم‌توجهی به برخی ویژگی‌های مناقشه و درهم‌تنیدگی سیستم‌های آبی» است.

به دلیل وجود ذی‌مدخلان متعدد با ارزش‌ها، انگاره‌ها، هدف‌ها و ارجحیت‌های متفاوت، مناقشات آبی در بستر سیستم‌های درهم‌تنیده آبی بروز می‌کنند و در تأثر از چنین بستری، معمولاً دارای جوانب مختلف طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی هستند. بر همین اساس، استفاده از تجارب سایر علوم در زمینه مواجهه با مناقشات آبی ضروری است. از طرفی (Fink, 1968) بیان می‌کند که معمولاً الگوها و فرآیندهای شناسایی شده برای مناقشه در یک رشته در سایر علوم نیز همین کارکرد را دارند. این در حالی است که در مطالعات مربوط به مناقشات آبی، گستردگی مفاهیم فرارشته‌ای و دستاوردهای علوم مختلف کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و نسبت به پیشرفت‌های اخیر دانش مناقشه فاصله بسیاری وجود دارد. به همین

علت، نتایج اکثر مطالعات مربوط به مناقشات آبی، با دنیای واقعیت فاصله داشته و تقریباً اکثر این مطالعات خروجی‌های کاربردی برای سیاست‌گذاران به همراه نداشته‌اند.

علی‌رغم تحقیقات پرشماری که در موضوع مناقشات آبی انجام شده است، همچنان نقص‌های جدی در ادبیات تحقیق مناقشات آبی از نظر تنوع و وسعت دید در پرداختن به مفاهیم مناقشه از ابعاد مختلف به چشم می‌خورد. از این‌رو، هدف از این مقاله بازاندیشی در مفاهیم اصلی دانش مناقشه و ارائه آن برای بهره‌مندی در مواجهه با مناقشات آبی است. برای تحقق این هدف، ترسیم گستره‌ای از مطالعات مناقشه در ادبیات تحقیق، بررسی وضعیت مطالعات مناقشات آبی با دستاوردهای نوین در زمینه مناقشه، شناسایی کلی چالش‌های موجود در زمینه مواجهه با مناقشات آبی و ارائه پیشنهاد برای مطالعات آینده در زمینه مناقشات آبی بر اساس چالش‌های موجود، صورت گرفته است.

با توجه به این موارد، در بخش دوم به چستی مناقشه پرداخته شده است. بخش سوم، به تبیین و بررسی چهار محور کلیدی مناقشه شامل: (۱) ماهیت و ویژگی‌ها، (۲) عناصر، (۳) مولدها، و (۴) مواجهه با مناقشه می‌پردازد. دو موضوع بسیار مهم و پیش‌نیاز برای ورود به فرآیند مواجهه با مناقشه یعنی تحلیل مناقشه و نگاشت تحلیل مناقشه در بخش چهارم بررسی و ارائه می‌شود. در بخش پنجم، مطالعات صورت گرفته در حوزه مناقشات آبی در دو دسته کلی نظریه بازی‌ها و موضوعات همکاری-مناقشه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در بخش پنجم ارائه شده است.

۲- چستی مناقشه

فهم و تفهیم هر آن چه با بکارگیری واژه مناقشه مدنظر قرار می‌گیرد، بسیار معمول و در عین حال بسیار گنگ است. افزایش آگاهی از جوانب مختلف مناقشه در گذر زمان، منجر به شناخت هرچه بیشتر درهم‌تنیدگی مفاهیم آن شده است. سؤالات ابتدایی و اساسی درباره مناقشه همواره مطرح بوده‌اند و امروزه نیز بسیار جدی‌تر و پیچیده‌تر مطرح هستند. سؤالاتی نظیر: مناقشه چیست و چگونه به وجود می‌آید؟ چه ویژگی‌های ماهیتی دارد؟، شامل چه عناصری است؟، مولدهای مناقشه چیست و چگونه موجب بروز، تشدید یا کاهش مناقشه می‌شوند؟، مناقشه‌ها چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟، مناقشه چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟، و با مناقشه چه باید کرد؟ نمونه‌هایی از این سؤالات هستند.

مناقشه موضوعی فرارشته‌ای است و به همین دلیل، نظریه عمومی مناقشه در علوم و زمینه‌های مختلف در حال بروز و تکامل است

(Fink, 1968). (Singer (1949) از دیدگاه فلسفی، مناقشه را به عنوان یک پدیده^۸ معرفی کرده است و در پی تحلیل تعاریف مختلف مناقشه و ارائه تعریف دیگری برای آن برآمد. (Bernard (1950 با دیدگاه جامعه‌شناسی، از مناقشه به عنوان یک وضعیت^۹ یاد می‌کند و بیان می‌کند که جنبه‌های ذهنی^{۱۰} مناقشه بیشتر از جنبه‌های عینی آن مورد توجه قرار گرفته است. همچنین Wright (1951) به بررسی مناقشه از منظر سیاسی پرداخت و به گسترده بودن مفهوم آن در سطوح مختلف ارتباطات اجتماعی اشاره کرد. علاوه بر این، (Pondy (1967 پویایی فرآیند^{۱۱} مناقشه را مورد تأکید قرار داد و مراحل مختلفی را برای آن بیان نمود. (Christie (1977 با دیدگاه جرم‌شناسی، از مناقشه به عنوان یک ویژگی^{۱۲} و عنصر بسیار مهم جامعه یاد می‌کند. (Thomas and Kilmann (2008 مناقشه را وضعیتی تعریف کردند که در آن نگرانی‌های^{۱۳} دو نفر ناسازگار^{۱۴} به نظر می‌رسد و از منظر روان‌شناسی چارچوبی را برای شناسایی نحوه برخورد افراد در مناقشه ارائه دادند. (GENCAT (2014 نیز در دسته‌بندی خاصی، نظریه‌های مناقشه را به سه رده گسترده شامل "ویژگی‌های فردی"^{۱۵}، "ساختار اجتماعی"^{۱۶} و "فرآیند تعامل"^{۱۷} دسته‌بندی کرد. لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌شود زمینه مطالعات مربوط به مناقشه بسیار گسترده و متنوع است.

چنین به نظر می‌رسد که مناقشه در ماهیت هستی نهفته بوده و بشر در تمام جوانب زندگی از مواجهه با آن ناگزیر است. مناقشه در حالت کلی مفهومی مجرد^{۱۸} (انتزاعی) است که در حالت جزئی می‌تواند نمودهای عینی متعددی داشته باشد. دعوا، درگیری، اعتصاب، شورش، اغتشاش، تحریم، سرکوب و جنگ تنها تعدادی از نمودهای عینی و بارز مناقشه در روابط بین‌فردی^{۱۹}؛ تقابل و کشاکش مؤلفه‌های روان‌شناسی (اعم از افکار، احساسات، اعتقادات، ارزش‌ها، و غیره) در روابط درون‌فردی^{۲۰}؛ ستیز دو شیر برای تصاحب قلمرو در روابط حیوانات؛ جوش و خروش مواد مذاب آتش‌فشان با آب دریا، کشاکش رودخانه و سنگ‌های در مسیر آن، درختان کج‌شده در سیل و برخورد دو توپ بلیارد در روابط اشیاء؛ تعدادی از نمودهای عینی مناقشه هستند (Freud, 1916; Mack and Snyder, 1957; Singer, 1949; Wallensteen, 2002; Wright, 1951).

تعریف مناقشه، به سادگی شمردن مصادیق آن نیست و در ادبیات تحقیق، تعریف واحد، جامع، مانع و مورد اجماعی برای مناقشه وجود ندارد. نبود چنین تعریفی برای مناقشه یکی از چالش‌های اصلی و بنیادین در حوزه مطالعات مناقشه بوده، امروزه نیز همچنان به قوت خود باقی است. نویسنده فصل «مناقشه و مدیریت مناقشه» کتاب مرجع «روان‌شناسی سازمانی و صنعتی» (Dunnett and Hough, ۲۰۸

1976) در رشته روان‌شناسی که چاپ اول آن تقریباً مربوط به نیم قرن پیش است، حدود سی سال پیش نیز به نبود چنین تعریفی در ادبیات تحقیق اذعان نمود (Thomas, 1992). پس از گذشت بیست سال، بار دیگر (Lyamouri-Bajja et al. (2013) نیز همچنان بر وجود اختلاف‌نظرهای قابل توجه در چگونگی تعریف مناقشه تأکید دارند.

حال شاید چنین سؤالی مطرح شود که برای مواجهه با مناقشه چه نیازی به تعریف مناقشه یا حتی تعریف دقیق آن است؟ در مطالعات علمی، چگونگی تعریف مفاهیم و مفروض داشتن آن‌ها، تمام مراحل مطالعه و تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اخیراً (PBL (2018) در مورد این موضوع چنین بحث می‌کند که «تعاریف مختلف از مناقشه منجر به تفسیرهای مختلف از مناقشه می‌شود». چه بسا عدم موفقیت تاریخ در مواجهه علمی با مناقشه با این موضوع نامرتب نباشد. البته قابل ذکر است که برخی محققان چون (Pondy (1967 معتقدند ارائه تعریف دقیق مناقشه ضروری نیست و باید به شناخت مناقشه و مواجهه با آن پرداخت.

امروزه در مقابل این سؤال که «مناقشه‌ها چگونه دسته‌بندی می‌شوند؟» پاسخ‌های مختلفی می‌توان ارائه کرد. یکی از دسته‌بندی‌های ارائه شده که بسیار مرسوم است، دسته‌بندی مناقشات بر اساس مقیاس جغرافیایی است. یعنی بر اساس تشخیص فرضی ابعادی مناقشات، آن‌ها را به دسته‌هایی نظیر: محلی (فروملی)، ملی، بین‌المللی و جهانی دسته‌بندی می‌کنند و مناقشه را در یکی یا تعدادی از این دسته‌ها قرار می‌دهند. رده دیگری از دسته‌بندی‌ها، بر اساس نمودهای عینی مناقشات صورت می‌گیرد. عناوینی که برای دسته‌های این نوع از دسته‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند عباراتی نظیر اختلاف، تضاد^{۲۱}، تعارض، تنش، درگیری، خشونت و غیره است. معمولاً در این نوع از دسته‌بندی شدت مناقشه نیز اثرگذار است. قابل ذکر است که درجه اجماع‌نظری که در دسته‌بندی قبلی (بر اساس مقیاس جغرافیایی) وجود دارد در این نوع از دسته‌بندی مشاهده نمی‌شود. همچنین در این نوع از دسته‌بندی، مرز دسته‌های مختلف غیرشفاف و بعضاً تعریف‌نشده است. رده دیگری از دسته‌بندی مناقشه‌ها، بر اساس هویت‌های دخیل و درگیر در مناقشه صورت می‌گیرد. عناوین دسته‌های این نوع از رده‌بندی اصطلاحاتی نظیر درون‌فردی، بین‌فردی، درون‌سازمانی، بین‌سازمانی، اجتماعی، بین‌الدولی و غیره است. رده دیگری که بسیار معمول است، دسته‌بندی بر اساس زمینه و موضوع مناقشه است. برای مثال، مناقشات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، آبی و غیره عناوین چنین دسته‌بندی‌هایی را تشکیل می‌دهند.

در خصوص درک چستی مناقشه، ذکر این نکته ضروری است که اکتساب فهم در ارتباط با هر موضوع یا پدیده‌ای خاص، در گرو طرح سؤالاتی در ارتباط با آن موضوع یا پدیده و جواب‌گویی به آن سؤالات است. در ارتباط با مناقشه نیز، سؤالات متنوعی مطرح است اما از نظر محققان، تعدادی از این سؤالات نسبت به سؤالات دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. برای مثال، (Müller and Dieng (2012 در این باره مطرح کرده‌اند که سؤالات زیر، سؤالات اساسی در مورد مناقشه به شمار می‌روند:

- ۱) مناقشه چیست؟
 - ۲) توابع^{۲۲} مناقشه کدامند؟
 - ۳) محتویات^{۲۳} اصلی مناقشه چیست؟
 - ۴) مناقشه چگونه بروز پیدا می‌کند و بستر آن چیست؟
 - ۵) چگونه می‌توان مناقشه را مدل کرد؟ و
 - ۶) مناقشه چه اثراتی دارد؟
- (Cooper (2003 نیز در این باره سؤالات ذیل را به عنوان سؤالات اساسی بیان کرد:

- ۱) طرفین درگیر^{۲۴} در مناقشه چه کسانی هستند؟
 - ۲) مشکل^{۲۵} چیست؟
 - ۳) هر یک از طرفین درگیر دنبال چه دستاوردی است؟
 - ۴) پیشنهاد هر طرف درگیر برای توافق طرفین درگیر در مناقشه چیست؟
 - ۵) هر یک از طرفین درگیر چه پیشنهادی را قبول دارد؟
 - ۶) چه چیز/چیزهایی برای هر یک از طرفین درگیر ارزشمند است؟
 - ۷) چه جایگزین‌هایی برای مناقشه وجود دارند؟
 - ۸) خروجی محتمل در صورت عدم تعدیل مناقشه چیست؟ و
 - ۹) آیا این نتیجه قابل تحمل است؟
- (GENCAT (2014 پنج سؤال زیر را به عنوان سؤالات اساسی مناقشه مطرح کرد:

- ۱) مناقشه چیست؟
 - ۲) مناقشات چرا و چگونه به وجود می‌آیند؟
 - ۳) مناقشات چرا و چگونه تکامل می‌یابند؟
 - ۴) عناصر^{۲۶} تشکیل‌دهنده مناقشه چه هستند؟ و
 - ۵) چه کارهایی می‌توان در قبال مناقشه انجام داد؟
- به طور کلی، علیرغم تنوع ظاهری گسترده، مجموع سؤالات مطرح شده در خصوص مناقشه را می‌توان در چهار سؤال کلی خلاصه نمود که عبارتند از:

- ۱) مناقشه چیست و چه ویژگی‌های ماهیتی دارد؟
- ۲) مولدهای ایجاد و تشدید مناقشه کدامند؟
- ۳) مناقشه شامل چه عناصری است؟
- ۴) با مناقشه چگونه باید مواجهه کرد؟

۳-۱-۱- عینی یا ذهنی بودن مناقشه

هر مناقشه ترکیبی از عینیت و ذهنیت است و این ترکیب می‌تواند نسبت‌های مختلفی را شامل گردد. به طور مثال، جنبه ذهنی در مناقشات درون‌فردی بسیار غالب است. در علوم روان‌شناسی، به درگیری ذهنی هر فرد در ارتباط با موضوعات ناسازگار، مناقشه درون‌فردی اطلاق می‌شود. در این باره (1934) Warren ماهیت مناقشه را وضعیت درآورد احساسی و (1994) Pruitt and Rubin آن را واگرایی درک‌شده^{۲۸} معرفی می‌کنند. برخی محققان تا حدی پیش می‌روند که عنوان می‌کنند، «مناقشه کاملاً ذهنی است و واقعیت ندارد» (Müller and Dieng, 2012). برخی دیگر از محققان نیز ماهیت مناقشه را بیشتر به عینیت مربوط می‌دانند. به طور مثال، (1973) Deutsch و بیست سال بعد از او (Tjosvold and Vliert, 1994) و اخیراً (2017) Petersen-perlman et al. از مناقشه به عنوان اقدام^{۲۹} یاد کرده‌اند. در این میان، محققانی نیز به هر دو جنبه عینی و ذهنی مناقشه اشاره دارند. برای نمونه، (2014) GENCAT ماهیت مناقشه را عناصر روانشناسی^{۳۰} توصیف می‌کند که خروجی آن‌ها به شکل مسائل رفتاری است. با توجه به این مطالب، می‌توان چنین بیان کرد که مناقشه همزمان می‌تواند جنبه‌های ذهنی و عینی داشته باشد و این اختلاف نظر در نحوه دیدگاه به مناقشه است نه ماهیت مناقشه.

۳-۱-۲- تقابل^{۳۱} یا تعامل^{۳۲} بودن مناقشه

علیرغم اختلاف نظرهای متخصصان در جواب مختلف مناقشه، تقریباً اکثر آن‌ها در این باره اتفاق نظر دارند که یکی از عناصر ضروری در هستی‌بخشی به مناقشه «ناسازگاری» است. محققان برای توصیف ناسازگاری از واژگان مختلفی استفاده می‌کنند. برای نمونه (1951) Wright (1916)، (1916) Freud، (2003) Cooper، از تصادم^{۳۳}، (1998) از مبارزه^{۳۴} و (2014) GENCAT از تقابل^{۳۵} به منظور توصیف ناسازگاری استفاده می‌کنند. از طرفی، برخی از محققان معتقد هستند که مناقشه از جنس تعامل و ارتباط است و ماهیت مناقشه را تعامل میان کنشگران^{۳۶} معرفی می‌کنند و بر وابستگی آن‌ها تأکید داشته‌اند (Conrad, 1991; Folger et al., 1993). با کنار هم قرار دادن این دو رویکرد فکری به ظاهر متناقض، مشخص می‌شود که مناقشه هر چند ماهیتی از جنس تقابل، تضاد، تناقض، تصادم، مبارزه و غیره دارد؛ اما برای هستی‌یابی، نیازمند ارتباط و تعامل است تا در آن بستر بروز پیدا کرده و فرصت تشدید و تغییر بیابد. در نتیجه نیازمندی به ارتباط و تعامل برای هستی‌یابی مناقشه مقدم بر نیازمندی آن به ناسازگاری است.

اکثریت قریب به اتفاق مطالعات مربوط به مناقشه، معمولاً در جواب دادن به یکی یا ترکیبی از این چهار سؤال اساسی خلاصه می‌شوند و به نوعی ذیل این چهار سؤال اساسی قرار می‌گیرند. البته باید توجه شود که در تقسیم‌بندی مفاهیم به صورت چهار سؤال مزبور، فرضیاتی نهفته است. برای مثال، سؤال «طرفین درگیر چه کسانی هستند»، در زیرمجموعه سؤال سوم یعنی «مناقشه شامل چه عناصری است»؛ سؤال «مناقشه‌ها چگونه تکامل می‌یابند» در زیرمجموعه سؤال دوم یعنی «مولدهای ایجاد و تشدید مناقشه کدامند»؛ و سؤال «مناقشه چه اثراتی دارد» در زیرمجموعه سؤال اول یعنی «مناقشه چیست و چه ویژگی‌های ماهیتی دارد» قرار گرفته‌اند.

ذکر این نکته ضروری است که سؤالات مطرح در مورد موضوع مناقشه، به شدت با هم مرتبط و غیرقابل تفکیک هستند (GENCAT, 2014). به عبارت دیگر، با این که مطالعه ماهیت، عناصر و علت هر مناقشه به تفکیک امکان‌پذیر است؛ اما در هنگام مواجهه با مناقشه، باید ارتباط تنگاتنگ و غیرقابل تفکیک این موضوعات را مد نظر قرار داد. به بیان دیگر، تفکیک و تجزیه مناقشه به ارکان مختلف دلخواه، تنها در مرحله شناسایی مناقشه کاربردی است. بر این اساس، در ادامه این چهار سؤال اساسی و بنیادین در خصوص مفهوم مناقشه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

برای روشن‌تر شدن آن‌چه بیان شد، (2019) Farajzade مناقشه را در حالت کلی «پافشاری متقابل متقابلین بر وجه تقابل^{۳۷}» تعریف کرده است. به بیان ساده، زمانی که دو طرف یک تقابل (متقابلین) به طور متقابل در حال پافشاری برای غلبه بر یکدیگر هستند مناقشه به وجود می‌آید. بر این اساس، در این تحقیق منظور از مناقشه آبی، هر پافشاری متقابل طرفین تقابل بر سر ابعاد مختلف انسانی، طبیعی و اکوسیستمی است که در سیستم‌های آبی بروز یابد؛ از چنین بستری تأثیر گیرد و بر آن تأثیر داشته باشد. در واقع مناقشه آبی، همان مناقشه است که در بستر سیستم‌های آبی بروز یافته است. با توجه به این موضوع، مفاهیم ارائه شده برای «مناقشه» در این تحقیق شامل «مناقشات آبی» نیز می‌شود.

۳- مفاهیم مناقشه

۳-۱- سؤال اول: ماهیت و ویژگی‌های مناقشه آبی

در این قسمت به تعدادی از ویژگی‌های مناقشه که در روند تکامل دانش مناقشه بسیار اثرگذار بوده‌اند و تا به امروز مورد بحث قرار گرفته‌اند، پرداخته می‌شود.

۳-۱-۳- ایستا^{۳۷} یا پویا^{۳۸} بودن مناقشه

مناقشه به اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی باز می‌گردد. در این باره Wright (1951) با استدلال منطقی بیان نمود که مناقشه درون‌فردی یکی از وجوه تمایز انسان با حیوان است. او همچنین اشاره کرد که ضرورت مناقشه برای جامعه اگر بیشتر از همکاری^{۴۴} نباشد، کمتر از آن نیست. حتی این تغییر افکار در افراد سرشناسی همچون Pandy، از متخصصان و محققان پیشرو در حوزه مناقشات سازمانی نیز دیده می‌شود. برای نمونه Pandy (1967) مناقشه را به عنوان نوعی انحراف، شکست در فرآیند طبیعی و شیوع موقت ناگهانی قلمداد کرد و معتقد بود که مناقشه از پایان همکاری در سازمان سرچشمه می‌گیرد. اما بیست سال بعد، Pandy (1989) با اشاره به تغییر افکار خود نسبت به مناقشه، مناقشه را پدیده‌ای طبیعی و غیرقابل اجتناب معرفی کرد. با این که هم اکنون نیز هر سه نوع دیدگاه فلسفی در پس‌زمینه مطالعات محققان محسوس است، اما گذر زمان بر درستی هر چه بیشتر دیدگاه سوم صحه می‌گذارد.

افرادی همچون Wallensteen (2002)، Fraser and Hipel، Berrcovitch (1987) و (1979) «وضعیت»^{۳۹} توصیف کرده‌اند که بیشتر در علوم جامعه‌شناسی مرسوم است. برخی دیگر از محققان، از عبارت «فرآیند» برای توصیف ماهیت مناقشه استفاده کرده‌اند (Galtung, 1969; Thomas, 1992; Wall, 1985). علاوه بر این، Pandy (1967) مناقشه را «فرآیندی پویا» معرفی می‌کند و معتقد است که هر مناقشه معمولاً متعلق به سلسله‌ای از مناقشات است. به عبارت دیگر، پویایی مناقشه در یک مناقشه خاص محدود نیست و می‌تواند از مناقشه یا مناقشاتی قبل از خود تأثیر پذیرد و مسبب یا اثرگذار بر مناقشه یا مناقشات بعد از خود باشد. چنین به نظر می‌رسد که در مورد فرآیند پویا و تکاملی بودن مناقشه اختلافی وجود نداشته باشد. به بیان دیگر، مناقشه فرآیندی است که در زمان‌ها و شرایط مختلف می‌تواند وضعیت‌های متفاوتی داشته باشد.

۳-۲- سؤال دوم: عناصر مناقشه

شاید مفهوم مجرد و طبیعت منحصر به فرد مناقشه (آن چه که مناقشه را از غیر مناقشه متمایز می‌کند) قابلیت تفکیک و تجزیه نداشته باشد. اما نمودهای عینی آن چنین نیستند و قابلیت تفکیک و تجزیه دارند. در ادبیات تحقیق، نمونه‌هایی از چنین تفکیک‌هایی وجود دارد، اما لیست کامل و دسته‌بندی جامعی از عناصر مناقشه در ادبیات تحقیق وجود ندارد. برای مثال، Alexander and Saaty (1977) مناقشه را متشکل از سه سطح متصورند و این سه سطح را از بالا به پایین به ترتیب (۱) طرفین درگیر، (۲) اهداف طرفین درگیر و (۳) ساختار تعریف کرده‌اند. Wallensteen (2002) نیز سه جزء اصلی شامل (۱) کنشگر، (۲) ناسازگاری و (۳) اقدام را برای به وجود آمدن مناقشه عنوان کرده است. با توجه به پرسش‌نامه‌ای که Fayos (2002) برای جمع‌آوری اطلاعات برای تحلیل مناقشه تهیه نمود، مشخص است که او عناصری نظیر (۱) ذی‌مدخل، (۲) فعالیت، (۳) تاریخ، (۴) مسأله، (۵) علت، (۶) وضعیت، (۷) نیاز و (۸) دیدگاه را برای تحلیل مناقشه ضروری قلمداد کرده است. شناسایی و واکاوی این عناصر از نظر تعداد و عمق، بسته به دیدگاه و تخصص محقق، نوع مناقشه و بودجه زمانی و مالی متفاوت است. در همین راستا، برای شناسایی عناصر اصلی مناقشه تعدادی از مطالعات شاخص در ارتباط با تحلیل مناقشه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. تعداد عناصر هر یک از مطالعات بررسی شده در شکل ۱ قابل ملاحظه است.

۳-۱-۴- آشکار^{۴۰} یا پنهان بودن مناقشه

شاید نتوان گفت که چه کسی برای اولین بار اصطلاح مناقشه پنهان^{۴۱} را مطرح کرده و تعریف دقیق آن چیست، اما افرادی همچون Wehr (1979)، DFID (2002)، SWH (2005)، و Lyamouri-Bajja et al. (2013) از عبارت مناقشه پنهان استفاده کرده‌اند. همچنین Pandy (1967) و Oliva and Charbonnier (2016) مناقشه پنهان را به عنوان یکی از مراحل مختلف پویایی مناقشه معرفی می‌کنند. این که مناقشه می‌تواند آشکار باشد بر کسی پوشیده نیست، اما برخی از محققان مدعی هستند که فرآیند مناقشه علاوه بر مراحل آشکار آن، شامل مراحل پنهان نیز است. ظاهراً به مرحله‌ای از مناقشه که رخداد یا عمل خاصی به صورت آشکار وجود ندارد، مناقشه پنهان اطلاق می‌شود.

۳-۱-۵- سازنده^{۴۲} یا مخرب^{۴۳} بودن مناقشه

برخلاف باور عمومی که بطور عمده مناقشه را مخرب می‌دانند، اما مناقشه می‌تواند نتایج سازنده یا مخرب در پی داشته باشد. از همین منظر، Robbins (1978) دیدگاه فلسفی مناقشه را به سه بخش عمده دسته‌بندی نمود: (۱) مناقشه مخرب است و باید از آن اجتناب نمود، (۲) مناقشه غیر قابل اجتناب است و باید آن را کنترل کرد، و (۳) مناقشه برای پیشرفت، اصلاح و تکامل ضروری است و باید آن را شناخت و به درستی با آن مواجهه نمود. اولین تغییر تفکرها درباره سازنده بودن

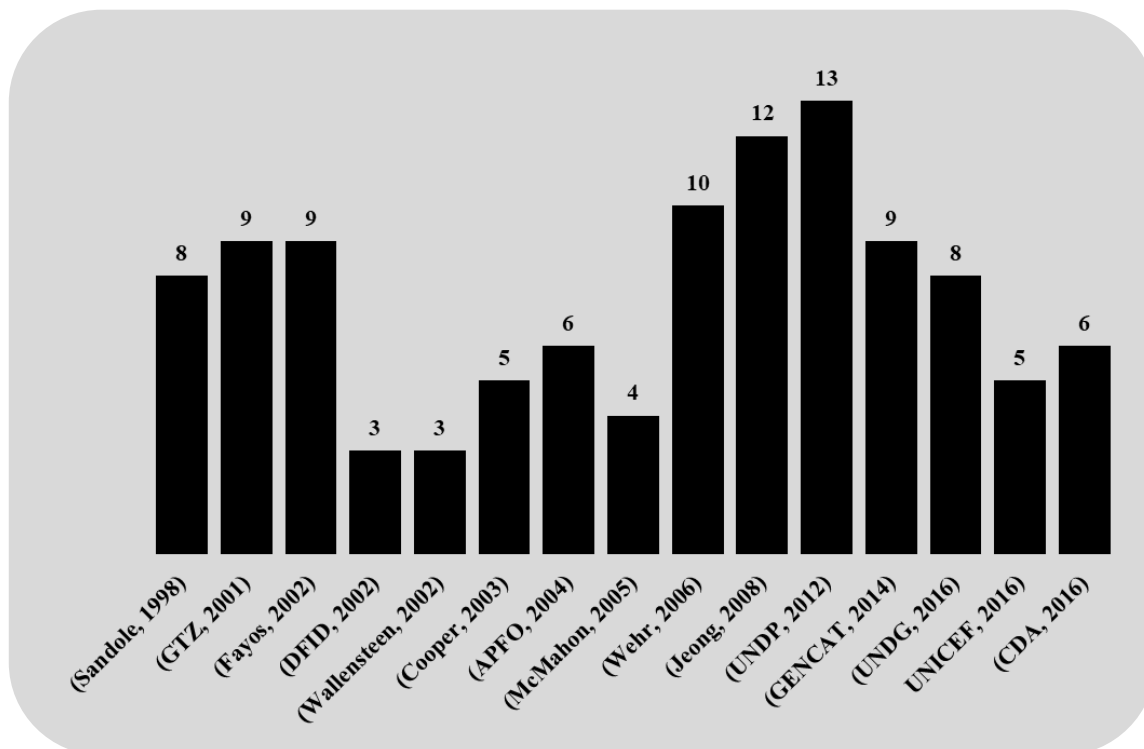


Fig. 1- The number of conflict elements identified in the 15 reviewed conflict analysis studies
 شکل ۱- تعداد عناصر هر یک از ۱۵ مطالعه بررسی شده در ارتباط با تحلیل مناقشه

متعلق به UNSSC^{۴۵} چهار زمینه شامل: (۱) سیمای وضعیت^{۴۶}، (۲) تحلیل علی^{۴۷}، (۳) تحلیل ذی‌مدخلان^{۴۸}، و (۴) تحلیل پویایی مناقشه^{۴۹} را زمینه‌های اصلی و کلیدی برای تحلیل هر مناقشه معرفی می‌کنند. با مقایسه گروه‌بندی منطقی انجام شده در شکل ۲ با زمینه‌های معرفی شده توسط UNSSC، تطابق قابل توجهی مشاهده می‌شود.

۳-۳- سؤال سوم: مولدهای مناقشه

همان‌گونه که بیان شد مناقشه‌نمودها و مصادیق متعددی دارد. علاوه بر این، هر مناقشه در زمان، مکان و در ارتباط با موضوعات مختلف، به شیوه‌های متفاوتی به وجود می‌آید و بروز می‌کند (Deutsch et al., 2011). بر همین اساس، تعدد و تنوع مصادیق مناقشه به حدی است که تقریباً تمام مناقشات را منحصر به فرد می‌کند. همین تنوع و تعدد مولدهای مناقشه، مولدهای آن‌ها را نیز منحصر به فرد می‌کند. علاوه بر این، هر مناقشه واحد (در صورت فرضی) در موقعیت‌های مختلف زمان، مکان و شرایطی که در آن به وجود می‌آید، می‌تواند دارای مولدهای مختلف، متعدد و لایه‌لایه باشد. علاوه بر این، در بعضی موارد علل مناقشه نیز خود در حال تغییر بوده به نحوی که بر ابعاد و شدت مناقشه اثرگذار هستند که می‌توانند موجب افزایش یا کاهش شدت مناقشه شوند. در همین راستا، Sandole et al. (2009)

با توجه به شکل ۱ ملاحظه می‌شود که اکثر مطالعات، مربوط به بیست سال اخیر هستند. با این که در میان مطالعات بررسی شده، بیشترین تعداد عناصر به تعداد سیزده عنصر مربوط به مطالعه UNDP (2012) بود؛ در مجموع بیش از چهار عنصر مختلف مرتبط با مناقشه شناسایی شده که فهرست کامل آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است. قابل ذکر است که جستجوی تحقیقات برای تهیه لیستی از عناصر مناقشه، تا حدی ادامه یافت که به حد اشباعی از عناصر مختلف مناقشه منتج گردد. به دلیل این که در بعضی از موارد، محققان مختلف برای اشاره به عنصری واحد از واژگان مختلفی استفاده نموده‌اند، در این جدول تمام واژگان فهرست شده‌اند.

با بررسی فهرست عناصر مناقشه مشخص می‌شود که این عناصر از نظر اصل و فرع قابل دسته‌بندی هستند. حتی در بعضی از مطالعات نوعی دسته‌بندی عناصر نیز دیده می‌شود (DFID, 2002). نتیجه گروه‌بندی منطقی عناصر شناسایی شده حاصل از مطالعات مختلف در شکل ۲ ارائه شده است.

تحلیل هر مناقشه بر اساس واکاوی عناصر آن صورت می‌گیرد. در این باره Oliva and Charbonnier (2016) در کتاب تحلیل مناقشه

بر اساس آن چه بیان شد، معرفی و دسته‌بندی مولدهای مناقشه مرسوم نیست. همچنین ذکر این نکته ضروری است که در ادبیات تحقیق، برای اشاره به مولدهای مناقشه، از واژه‌های مختلفی استفاده می‌شود. برای مثال، علت^{۵۱} (Jeong, 2015; GPPAC, 2015; Fayos, 2002)، جرقه^{۵۲} (GENCAT, 2014)، عامل^{۵۳} (CDA, 2016)، محرک^{۵۴} (USAID, 2012; Lyamouri-Bajja et al., 2013)، تعدادی از این واژه‌ها هستند. نکته قابل توجه آن است که مفاهیم مورد نظر محققان در ارائه واژگان مختلف، یکسان نیستند. به بیان دیگر، مفاهیم این واژه‌ها همچون ظاهر آن‌ها متفاوت است.

تأکید کرده‌اند که علاوه بر توجه به منشأها و روند توسعه مناقشه، باید به عوامل فزاینده و کاهنده مناقشه نیز توجه شود. (Pondy (1967) مناقشه را دنباله‌ای از قسمت‌ها معرفی می‌کند و معتقد است که خروجی هر قسمت از مناقشه می‌تواند علت یا آغاز کننده قسمت دیگری از مناقشه باشد. علاوه بر این، Wehr (2006) نیز به صراحت بیان می‌کند که علل و پیامدهای مناقشه قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و پیامد هر فاز از مناقشه می‌تواند علت فاز بعدی مناقشه قرار گیرد. (UNDG (2016) نیز علل مناقشه را به سه سطح کلی شامل (۱) ریشه‌ای، (۲) میانی و (۳) جرقه^{۵۰} دسته‌بندی کرده است اما این که در هر دسته چه عللی وجود دارند را مورد تحلیل قرار نداده است.

Table 1- A comprehensive list of identified conflict elements in the reviewed literature

جدول ۱- فهرست کامل عناصر شناسایی شده برای مناقشه در ادبیات تحقیق

شماره	عناصر		عناصر		شماره
	معادل فارسی	معادل انگلیسی	معادل فارسی	معادل انگلیسی	
۱	اقدام	activity	مشکل	issue	۲۳
۲	بازیگر/کنشگر	actor	وسیله	means	۲۴
۳	نگرش	attitude	انگیزه	motivation	۲۵
۴	آگاهی	awareness	نیاز	needs	۲۶
۵	رفتار	behavior	هدف	object	۲۷
۶	علت سببی	Proximate cause	نظر	opinion	۲۸
۷	ائتلاف	coalition	تقابل	opposition	۲۹
۸	شرایط	conditions	جهت‌گیری	orientation	۳۰
۹	بستر	context	طرفین درگیر	parties	۳۱
۱۰	فرهنگ	culture	قدرت	power	۳۲
۱۱	محرک	driver	فرآیند	process	۳۳
۱۲	عوامل محرک	driving factors	سیما	profile	۳۴
۱۳	پویایی	dynamic	ارتباط	relationship	۳۵
۱۴	احساس	emotion	علت ریشه‌ای	root cause	۳۶
۱۵	عوامل	factors	موقعیت	situation	۳۷
۱۶	توابع	functions	سیستم اجتماعی	social system	۳۸
۱۷	آرمان	goal	ذی‌مدخل	stakeholder	۳۹
۱۸	سابقه تاریخی	history	ساختار	structure	۴۰
۱۹	ایده	idea	موضوع	subject	۴۱
۲۰	ناسازگاری	incompatibility	روند	trend	۴۲
۲۱	منافع	interests	عامل تحریک	trigger	۴۳
۲۲	عوامل میانی	intermediate factors	ارزش	value	۴۴

زمزمه‌های دیدگاه تعاملی برای مناقشه، از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد که Robbins (1978) به تعدادی از آن‌ها اشاره نموده است. تعامل‌گرایان معتقدند که مناقشه علاوه بر مخرب بودن، توانایی سازنده بودن نیز دارد و لزوماً نباید در صدد حذف تمام مناقشات بود.

مواجهه علمی با مناقشه در حوزه عملی نیز همانند حوزه نظری دوره‌های مختلفی را طی نموده است (Oliva and Charbonnier, 2016). دوره‌های مختلف مواجهه عملی با مناقشه در شکل ۴ ارائه شده است. از منظری دیگر، مواجهه عملی با مناقشه شامل اسلوب و قواعد خاصی است که از آن‌ها به مداخله^{۶۰} در مناقشه یاد می‌شود. ممانعت از مناقشه^{۶۱}، فرونشانی مناقشه^{۶۲}، مدیریت مناقشه^{۶۳}، تعدیل مناقشه^{۶۴} و دگر دیسی مناقشه^{۶۵} تعدادی از این مداخلات هستند. تلاش برخی محققان در طی دو دهه اخیر برای تمییز مرز میان این مداخلات مختلف، گواهی بر مشخص نبودن مرز واضح این مداخلات و در بعضی موارد استفاده جابه‌جای این مداخلات در ادبیات تحقیق است. اما از حدود چهل سال پیش نیز زمزمه‌های ایجاد و توضیح چنین تفاوت‌هایی وجود داشت. برای مثال، Robbins (1978) تحقیقی تحت عنوان «مدیریت مناقشه و تعدیل مناقشه دو اصطلاح مترادف نیستند» ارائه نمود و به تفاوت این دو مداخله اشاراتی کرد. با توجه به اهمیت این مسأله، در ادامه به طور اجمالی به تشریح و توصیف تفاوت مداخلات مزبور از دیدگاه محققان مختلف پرداخته می‌شود.

ممانعت از مناقشه: ممانعت از مناقشه به عنوان یکی از مداخلات شناخته شده در ارتباط با مناقشه است که بیشتر در مراحل اولیه مناقشه کارایی دارد. ادبیات تحقیق در رویکرد ممانعت از مناقشه، در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شد و در آن دهه بسیار مورد توجه قرار گرفت (Ackermann, 2003). Sandole (1998) درباره ممانعت از مناقشه به اختصار چنین بیان داشت که «نگذارید خانه آتش بگیرد». Miller and King (2005) ممانعت از مناقشه را نوعی پیش‌دستی^{۶۶} با اهداف جلوگیری و محدود کردن ابعاد مخرب مناقشه معرفی کردند. در این رابطه Fisher et al. (2000) هدف این نوع از مداخله را پیشگیری از بروز مناقشه خشونت‌آمیز^{۶۷} ذکر می‌کنند.

فرونشانی مناقشه: فرونشانی مناقشه نوعی دیگر از مداخله در مناقشه است که در مراحل آشکار مناقشه کاربرد دارد. این نوع از مداخله به منظور محدود کردن و خاتمه دادن به رفتار خشونت‌آمیز و جنبه‌های مخرب در فرآیند مناقشه صورت می‌گیرد. Sandole (1998) فرونشانی مناقشه را به بردن آتش به بیرون از خانه حتی به زور تشبیه کرده است. Fisher et al. (2000) پایان رفتار خشونت‌آمیز و رسیدن

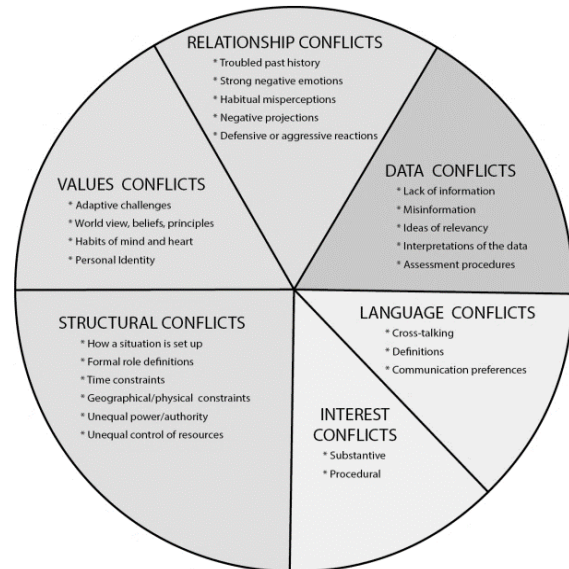


Fig. 3- The circle of conflict (Moore, 2014)
شکل ۳- چرخ مناقشه (Moore, 2014)

آن‌ها همچنین بیان می‌کنند که «با این که تحقیقاتی در این زمینه در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی، در علوم اجتماعی انجام می‌گرفت اما یافتن منابعی برای مناقشه کار دشواری بود». اظهار نظر آن‌ها با آن چه Singer (1949) درباره پیشرو بودن علوم اجتماعی در مطالعات مناقشه بیان کرد، مطابقت دارد. دانش مناقشه در همین تاریخ کوتاه (هفتاد سال)، به علت فرارشته‌ای بودن ماهیت مناقشه، موضوع بسیاری از علوم مختلف قرار گرفته است و از این رو گستره مطالعاتی بسیار وسیع و متنوعی دارد (Fink, 1968).

مواجهه علمی با مناقشه در حوزه نظری، دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده است. Robbins (1978) معتقد بود که مناقشه از دیدگاه فلسفی^{۶۸}، سه دوره عمده و متمایز را طی نموده است. او این سه دوره را (۱ سنتی، ۲ رفتاری و ۳ تعاملی) نامید. او همچنین طرفداران هر یک از این دوره‌ها را به ترتیب سنت‌گرایان^{۶۹}، رفتارگرایان^{۷۰} و تعامل‌گرایان^{۷۱} نام نهاد. فلسفه سنتی مناقشه، از اوایل قرن بیستم تا اواسط دهه ۱۹۴۰ میلادی بر این علم غلبه داشت. خلاصه دیدگاه سنت‌گرایان این بود که مناقشه همیشه مخرب است و به هر نحوی باید حذف شود. دیدگاه رفتاری، از اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی شروع به ظهور نمود. قابل ذکر است که این زمان مقارن با آغاز رسمی مطالعات مربوط به مناقشه توسط علوم اجتماعی و علوم سازمانی است. علوم سازمانی در این بازه زمانی به این تشخیص رسید که با توجه به ماهیت تمام سازمان‌ها، مناقشه محاط به سازمان است. بر همین اساس، رفتارگرایان، مناقشه را غیرقابل اجتناب می‌دانستند اما رویکرد مواجهه‌ای آن‌ها نیز عمدتاً مبتنی بر حذف مناقشه بود.

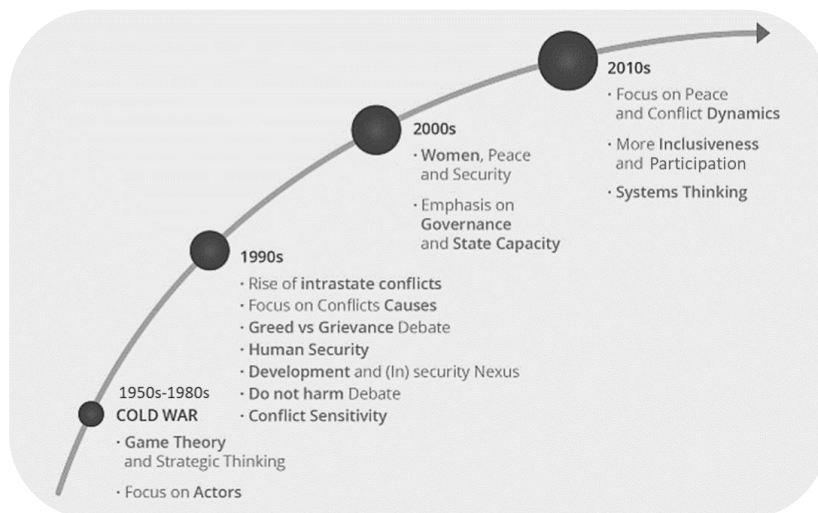


Fig. 4- The evolutionary course of dealing with conflict (Oliva and Charbonnier, 2016)
شکل ۴- سیر تکاملی مواجهه با مناقشه (Oliva and Charbonnier, 2016)

درگیر تلاش می‌کنند، تعدیل مناقشه نامیدند.

به توافق صلح را به عنوان فرونشانی مناقشه در نظر گرفتند.

دگردیسی مناقشه: «دگردیسی مناقشه» نوعی از انواع مداخله در مناقشه است که بیش‌تر با دیدگاه فلسفی تعامل‌گرایی درباره مناقشه تطابق دارد. این نوع از مداخله تقریباً در تمام مراحل نهان و آشکار مناقشه می‌تواند کاربرد داشته باشد. این مداخله هدف تغییر تهدیدات مناقشه را به فرصت دنبال می‌کند. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد مناقشه فرآیندی تکاملی است و قابلیت تغییر در زمان را دارد، اما این دگردیسی همواره سازنده و مطلوب نیست. این نوع از مداخله در پی دگردیسی مناقشه در مسیر دلخواه و سازنده است. (Sandole 1998) این نوع از مداخله در مناقشه را به پرداختن به ارتباط بلندمدت بازماندگان خانه با همسایگان آن‌ها برای آتش‌سوزی‌های بعدی تشبیه کرده است. (Miller and King 2005) دگردیسی مناقشه را به تغییر در همه، یکی، یا ترکیبی از عناصری نظیر وضعیت، طرفین درگیر مدعی^{۶۸}، موضوعات مخرب^{۶۹}، جهت‌گیری^{۷۰}، یا ساختارهای^{۷۱} حاکم بر هر یک از این موارد تعبیر کرده‌اند. در این رابطه Fisher et al. (2000) هدف دگردیسی مناقشه را رهنمونی^{۷۲} خاستگاه‌های گسترده اجتماعی و سیاسی مناقشه و تبدیل انرژی منفی جنگ به تغییرات مثبت اجتماعی و سیاسی بیان کرده‌اند.

در همین راستا، Fisher et al. (2000) ماتریسی را ارائه داده‌اند (شکل ۵) که ستون‌های این ماتریس نشان‌دهنده سه سطح قراردادی برای مناقشه است و سطرها این ماتریس مداخلات مختلف را نشان می‌دهد. این ماتریس مشخص‌کننده کاربرد داشتن هر یک از مداخلات در هر یک از سطوح مناقشه است.

مدیریت مناقشه: این نوع از مداخله، جلوگیری از تشدید مناقشه و گسترش ابعاد آن را در دستور کار خود دارد. (Sandole 1998) مدیریت مناقشه را به جلوگیری از گسترش آتش موجود تشبیه کرده است. (Fisher et al. 2000) معتقدند که هدف مدیریت مناقشه ایجاد محدودیت و اجتناب از خشونت‌های آینده در میان طرفین درگیر است. (Miller and King 2005) این نوع از مداخله را به منظور جلوگیری از تشدید، تأثیرات منفی و به ویژه خشونت‌ها، در مناقشات موجود معرفی کرده‌اند.

تعدیل مناقشه: تعدیل نیز نوع دیگری از مداخله در مناقشه است که به علل ریشه‌ای مناقشه می‌پردازد و یافتن علت اصلی آن را در دستور کار دارد. (Sandole 1998) این نوع مداخله را به یافتن علت اصلی آتش‌سوزی تشبیه کرده است. (Wallensteen 2002) در تعریف خود از تعدیل مناقشه، سه شرط اصلی را برای تحقق آن مطرح می‌کند که عبارتند از: (۱) باید ناسازگاری اصلی میان طرفین درگیر حل شود، (۲) هریک از طرفین درگیر، طرف مقابل را به رسمیت بشناسد و (۳) طرفین درگیر هر گونه اقدام خشونت‌آمیز را علیه یکدیگر متوقف کنند. او همچنین مناقشه را مقدم بر تعدیل دانسته و معتقد است که تعدیل پس از بروز مناقشه می‌تواند کاربرد داشته باشد. (Miller and King 2005) تمام کارهای روزمره و دانشگاهی را که برای حل سازنده مسأله مناقشه مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعدیل مناقشه می‌دانند. (Fisher et al. 2000) فعالیت‌هایی را که به علل اصلی مناقشه می‌پردازند و برای ساخت رابطه جدید و ماندگار بین گروه‌های

بیان می‌کند که اطلاع یافتن از تمام اطلاعات هر مناقشه غیرممکن است.

۴-۲- نگاشت مناقشه

مفهوم دیگری که برای تحلیل مناقشه مورد استفاده بعضی از محققان قرار گرفته است، «نگاشت مناقشه» یا «نگاشت تحلیلی مناقشه» است. شاید اولین باری که عبارت نگاشت مناقشه مطرح شد به طور دقیق قابل تشخیص نباشد اما Lord et al. (1989) از اولین افرادی هستند که این اصطلاح را برای تحلیل مناقشه مورد استفاده قرار دادند. تحقیق آن‌ها مربوط به مشکلات تسهیم آب در هندوستان بود. Sandole (1998)، Fayos (2002)، Wehr (2006)، NSC، (2011)، Bright (2011)، NPI (2012)، GENCAT (2014)، (2015) Areff، و Lee (2019) از جمله محققانی هستند که به جای «تحلیل مناقشه» از اصطلاح «نگاشت مناقشه» استفاده کردند.

محققان مختلف، نگاشت/تحلیل مناقشه را به شیوه‌های مختلفی توصیف نموده‌اند اما در مجموع می‌توان چنین عنوان نمود که «نگاشت مناقشه، تحلیلی هدفمند از مناقشه به وسیله شناسایی، معرفی، تبیین و آکاوی جوانب و عناصر مناقشه در سطوح و اعماقی خاص، متناسب با هدف تحلیل است». با توجه به این که عناصر و جوانب مناقشه می‌توانند بسیار متنوع، متعدد و در عین حال متغیر باشند؛ تحلیل کامل یک مناقشه امری نامحدود و ناممکن به نظر می‌رسد. هر مناقشه شامل کنشگران، مسائل و درجه‌های مختلفی از درهم‌تنیدگی است که سبب می‌شوند آن مناقشه منحصر به فرد شود؛ بنابراین تجزیه و تحلیل مناسب هر مناقشه نیازمند چارچوبی چند بعدی است که برای این منظور، نگاشت مناقشه می‌تواند روش مناسبی باشد (Jeong, 2008). به عبارت دیگر، نگاشت مناقشه تحلیلی منطقی و هدفمند از برخی (و نه همه) جوانب مناقشه است. ذکر این نکته ضروری است که نگاشت مناقشه، خود محدود به جوانب خاصی از مناقشه نیست؛ بلکه در روند نگاشت مناقشه با توجه به هدف تحلیل‌گر و محدودیت‌ها، جوانب نامحدود مناقشه می‌تواند محدود شود.

نگاشت مناقشه رویکردی تحلیلی به مناقشه است. در ادبیات تحقیق ذیل عنوان نگاشت مناقشه، مجموعه‌ای از ابزار مختلف برای پاسخ‌گویی به سؤالات اصلی و آکاوی جوانب و عناصر مختلف مناقشه توسعه یافته است. هر یک از این ابزارها متناسب با ویژگی‌های مختلف مناقشه طراحی شده است. برای نمونه، ابزار پیاز مناقشه^۶ در راستای آکاوی اهداف و نیازهای طرفین درگیر در مناقشه و جدول زمانی مناقشه^۷ برای بررسی تغییرات فرآیند مناقشه در طول زمان مفید

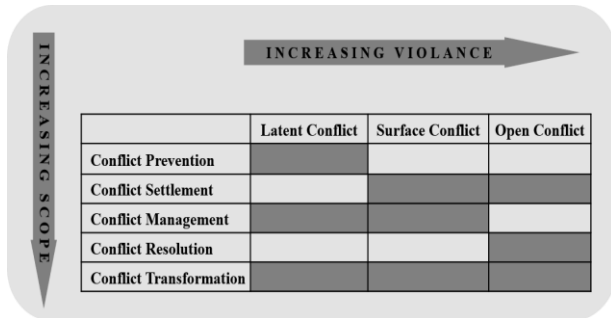


Fig. 5- The effectiveness of interventions at different stages of a conflict (Fisher et al., 2000)

شکل ۵- اثربخشی مداخلات در مراحل مختلف مناقشه (Fisher et al., 2000)

در ادبیات تحقیق، مداخلات تشریح شده فوق به عنوان مداخلات برجسته و شناخته شده مناقشه مطرح هستند و در لغت‌نامه اصطلاحات و مفاهیم مناقشه توسط Miller and King (2005) نیز به همین پنج مداخله اشاره شده در شکل ۵ اکتفا شده است؛ اما علاوه بر آن‌ها اصطلاحات دیگری همانند، میانجی‌گری در مناقشه^۳، تحلیل مناقشه^۴، و نگاشت مناقشه^۵ نیز وجود دارند.

۴- تحلیل و نگاشت مناقشه

۴-۱- تحلیل مناقشه

حدود بیست سال پیش، تاریخ مواجهه با مناقشه بعد از پنجاه سال فراز و نشیب، وارد دوره جدیدی به نام «تحلیل مناقشه» شد. به بیان دیگر، بعد از پنجاه سال مواجهه و مداخله در مناقشه، محققان به این نتیجه رسیدند که اولین و ضروری‌ترین مرحله برای هر گونه مداخله در مناقشه، تحلیل آن مناقشه است (Fisher, 2000; GENCAT, 2014; Oliva and Charbonnier, 2016; Sandole, 1998; Wehr, 2006). این که بعد از نیم قرن مواجهه علمی با مناقشه، امروزه تحلیل مناقشه از طرف محققان برجسته در این علم، به عنوان یکی از ضروری‌ترین مراحل هرگونه مداخله در مناقشه، می‌تواند نشانه‌ای از دست کم گرفتن موضوع و مسأله مهم و تخصصی مواجهه با مناقشه باشد. زیرا پرداختن به «تحلیل هر موضوع» در مراحل اولیه برای مواجهه با آن امری بسیار بدیهی است. (Fisher et al. (2000) به عنوان یکی از پایه‌گذاران اولیه و اصلی تحلیل مناقشه، با این که ابزارهای بسیاری را برای تحلیل مناقشه ارائه کرده بودند اما معتقد بودند که روش محکم (قطعی و ثابت) و مشخصی برای تحلیل مناقشه و حتی در مورد نحوه استفاده از ابزارهای تحلیل مناقشه وجود ندارد. در همین راستا Jeong (2008) معتقد بود که هر مناقشه ابعاد پیچیده روان‌شناسی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی دارد. بعد از گذشت تقریباً دو دهه از دوره شکوفایی تحلیل مناقشه، (UNDG (2016) به صراحت

هستند. نکته قابل ذکر آن است که ابزارهای توسعه یافته در این زمینه محدود به این دو ابزار نیستند. با واکاوی جوانب مختلف مناقشه به کمک ابزارهای مزبور و در کنار هم قرار دادن اطلاعات مدون تولیدی، می توان مناقشات درهم تنیده را در سطوح و اعماق مختلف و متناسب با هدف تحلیل، مورد نگاشت قرار داد.

۵- مطالعات مناقشات آبی

با توجه به تبیین چستی، مفاهیم و ماهیت مناقشه از یک سو، و اهمیت و ضرورت بررسی مطالعات در خصوص مناقشات آبی از سوی دیگر، در این بخش از مقاله، به طور اجمالی به برآورد وضعیت نسبی مطالعات مناقشات آبی در قیاس با دستاوردهای سایر علوم در این زمینه پرداخته خواهد شد. همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، حوزه علوم آب بیشتر جزء استفاده کنندگان از مفاهیم مناقشه محسوب می شود. براین اساس، مطالعات مناقشات آبی بیشتر در حوزه مواجهه با مناقشه فعالیت دارند و تقریباً در اکثر این مطالعات، نسبت به این که ماهیت مناقشه چیست، چه عللی دارد و دارای چه عناصری است، کمتر اظهار نظر می شود. اما اظهار نظر نکردن این مطالعات در مورد ماهیت، علل و عناصر مناقشه، معادل بی نیازی و مستقل بودن این مطالعات از چنین مفاهیمی نیست. به عبارت دیگر، محققان ناگزیر به پرداختن به چنین مفاهیمی هستند زیرا محقق با انتخاب هر رویکردی و روشی، حتی در صورت بی خبری از چنین مفاهیمی، به طور ناخودآگاه و بصورت جبری و تلویحی مفروضاتی را قبول کرده است. برای روشن تر شدن بحث، ذکر یک مثال قابل توجه است. فرض کنید محقق برای مواجهه با مناقشات آبی حوضه آبریز دریاچه ارومیه متوسل به تعیین بهینه حبابه سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و کردستان با روش نظریه بازی ها می شود. به محض اراده محقق برای انجام چنین تحقیقی فرضیات تلویحی زیر خواه ناخواه، آگاهانه یا ناآگاهانه مفروض هستند:

(۱) ماهیت مناقشات آبی این حوضه آبریز «رقابت بر سر حبابه» است؛
(۲) علت این مناقشه «عدم مشخص بودن حبابه بهینه سه استان» است؛

(۳) تنها هویت های درگیر در این مناقشه سه استان مزبور هستند؛
(۴) هر یک از این سه استان به عنوان یک هویت غیرقابل تفکیک هستند؛

(۵) رفتار هویت های درگیر در این مناقشه (سه استان) عقلانی و عقلایی است؛

(۶) اولویت اصلی هویت های درگیر در این مناقشه (سه استان) بیشینه کردن سود اقتصادی است.

این که این پیش فرض ها مطابق بر واقع هستند یا خیر و این که آیا مفروض داشتن چنین پیش فرض هایی با آگاهی و انتخاب صورت

می گیرد یا از روی ناآگاهی و ناچاری، مباحثی هستند که از حوزه این مقاله خارج است. با توجه به این که بخش مطالعات علوم مختلف در زمینه مناقشه از منظر چهار سؤال مورد بررسی قرار گرفت، این بخش از مقاله نیز به تبع بخش قبل، برای مقایسه مطالعات مناقشات آبی با دستاوردهای علوم مختلف، با کمی تفاوت همان چهار سؤال اصلی را مورد توجه قرار می دهد. تفاوتی که در این قسمت وجود دارد این است که سؤالات با هم درآمیخته شده اند.

حوزه مطالعات مناقشات آبی طیف گسترده ای دارد اما با کمی اغماض، می توان بیان داشت که دو حوزه (۱) نظریه بازی ها و (۲) همکاری - مناقشه، قسمت اعظم این مطالعات را در بر می گیرند. بر همین اساس، تمرکز این مقاله بر این دو حوزه قرار دارد. در ادامه به بررسی این دو حوزه ای اساسی پرداخته می شود و تعدادی از مطالعات مربوط به هر یک از این دو حوزه، از منظر سؤالات اساسی چهارگانه این مقاله مورد ارزیابی قرار می گیرند.

۵-۱- نظریه بازی ها

یکی از شاخه های طویل اما نه پربار مطالعات حوزه مناقشات آبی، استفاده از ابزاری به نام «نظریه بازی ها» به منظور مدل کردن مناقشه است. همانطور که در شکل ۴ نیز ارائه شد، مشخص می شود که این ابزار، در سیمای کلی نحوه مواجهه با مناقشه، ابزاری است که مربوط به دوران تاریخی جنگ سرد است. نتایج استفاده از این ابزار کهنه اقتصادی در مواجهه با مسائل نوین مناقشات آبی در سیستم های درهم تنیده آبی، با دنیای واقعی فاصله بسیار داشته و تقریباً اکثر این مطالعات از خروجی کاربردی و قابل اجرا برای سیاست گذاران بی بهره و یا در نهایت کم بهره اند. حوضه رود نیل یکی از نمونه های بارز از عدم کارایی چنین مواجهاتی در مناقشات آبی است (Dinar and Alemu, 2006; Swain, 2011; Wu and Whittington, 2006). زیرا محققان برای رفع مشکل مناقشات آبی با توسل به نظریه بازی ها، در صدد بیشینه کردن سود اقتصادی کشورهای ذی مدخل بودند؛ در حالی که در این بازی ها، بازیگر قدرتمندی چون کشور مصر نه تنها به فکر بیشینه کردن سود اقتصادی نیست، بلکه حاضر است برای دستیابی به آب بیشتر و حفظ هژمونی سیاسی خود در منطقه، هزینه اقتصادی چشمگیری نیز صرف نماید. علاوه بر این (Oliva and Charbonnier, 2016) به صراحت بیان کرده اند که تا کنون ابزارهای تکنیکی در فرآیند مواجهه با مناقشه برای تعدیل آن موفق نبوده اند. البته قابل ذکر است که نظریه بازی ها در حوزه مسائلی که برای آن طراحی شده و در صورت تحقق فرضیات آن (که امری بسیار دشوار است)، ابزاری کاربردی است.

در نظریه بازی‌ها دو فرض اساسی (۱) عقلانی رفتار کردن بازیگران و (۲) سنجش تمام یا عمده ابعاد مسأله با منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، مفروضات اساسی هستند (Myerson, 2013). این در حالی است که جنبه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی مناقشه (Müller and Dieng, 2012)، در سیستم‌های آبی معمولاً بسیار پررنگ‌تر هستند و قابلیت گنجانده شدن در زیر چتر شاخص‌های صرفاً اقتصادی را ندارند. از طرفی، در بسیاری از موارد اثبات شده است که بازیگران در شرایط مناقشه، ممکن است عقلانی رفتار نکنند (Group and February, 2016)، در حالی که فرض اساسی این روش، اعمال رفتارهای منطقی و عقلانی در بازیگران بازی است. از این‌رو، علیرغم انجام مطالعات و پژوهش‌های بسیار گسترده در حوزه مناقشات آبی بوسیله نظریه‌بازی‌ها، عمده خروجی این پژوهش‌ها راه‌کاری عملیاتی برای سیاست‌گذاران ارائه نکرده است و در حد پژوهش‌های منتشر شده بدون کارکرد عملیاتی باقی مانده‌اند.

علاوه بر این، یکی از مشکلات اصلی در کاربرد نظریه بازی‌ها در مناقشات آبی، نسبت دادن «حل» برای مناقشات آبی به وسیله نظریه بازی‌ها است در حالی که خود نظریه بازی‌ها هیچ ادعایی در حل هیچ نوع مناقشه‌ای ندارد. نظریه بازی‌ها تنها ابزار ریاضی است که برای تحلیل وضعیت‌هایی که در آن‌ها تصمیم‌گیری بیش از یک تصمیم‌گیر به طور متقابلی با هم مرتبط هستند، به کار می‌رود. در نظریه بازی‌ها به چنین وضعیت‌هایی «بازی» گفته می‌شود نه «مناقشه». مشکل دیگری که وجود دارد این است که گستره بازی در نظریه بازی‌ها (آن چه امروزه در مطالعات مناقشات آبی معادل مناقشه قرار می‌گیرد) بسیار محدودتر از مفهوم مناقشه است. این که در مناقشه نیز تصمیمات تصمیم‌گیران به یکدیگر مرتبط است لزوماً مناقشه را معادل بازی (در نظریه بازی‌ها) نمی‌کند.

به طور کلی، نظریه بازی‌ها ابزاری است که در حوزه‌ای خاص و با اهدافی خاص، فرض‌هایی بعضاً غیرواقعی را مفروض می‌گیرد. بدیهی است که در صورت استفاده از چنین ابزاری در حوزه‌های تخصصی دیگر، صحیح بودن چنین مفروضاتی، مستلزم تحلیل و بررسی است. به بیان ساده، این مطالعات با فرض‌های متعدد، ابعاد مسأله را بسیار محدود کرده، در نهایت با تبدیل مسأله‌ای واقعی به مسأله‌ای فرضی، آن مسأله فرضی را «حل» می‌کنند نه مناقشه را. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که در این شاخه از مطالعات، تمام تلاش برای تبدیل کردن مسأله‌ای واقعی با ابعادی گسترده، به مسأله‌ای انتزاعی و گنجاندن آن صرفاً در بعد اقتصادی (آن هم در مقیاس منافع کوتاه‌مدت)، به منظور اثبات کارایی نظریه بازی‌ها است که خود این نظریه چنین ادعایی ندارد. قابل ذکر است که این نواقص، به هیچ

عنوان معطوف به ابزار نظریه بازی‌ها نیست، زیرا حوزه تأثیر و کارکرد نظریه بازی‌ها کاملاً واضح و مشخص است. مشکلی که در این خصوص وجود دارد عدم تناسخ مناقشات آبی با ماهیت بازی، به علت گسترده بودن ابعاد آنهاست. این موضوع به دلیل گسترده بودن ابعاد مسائل آبی و درهم‌تنیدگی آن‌ها با موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، روانی و غیره است.

۵-۲- مناقشه - همکاری

یکی دیگر از شاخه‌های اصلی ادبیات تحقیق در زمینه مواجهه با مناقشات آبی، مربوط به «مناقشه-همکاری» است. این مطالعات همانند مطالعات نظریه بازی‌ها فراگیر نیستند، اما از این جهت که محققان برجسته‌ای در این زمینه تحقیقات متعددی انجام داده و نظریه‌پردازی کرده‌اند، اهمیت دارند. این مطالعات عموماً همکاری را در مقابل مناقشه فرض می‌کنند. برای نمونه (Wolf et al., 2003) از پیشگامان این شاخه از مطالعات، با جمع‌آوری بیش از ۱۸۰۰ رویداد تعاملات آبی (مناقشه و همکاری) مربوط به بازه تاریخی ۱۹۴۸ تا ۲۰۰۰، به این نتیجه رسیدند که تعداد همکاری‌های آبی حدود دو برابر مناقشات آبی است. در مقابل، (Zeitoun and Warner, 2006) و (Zeitoun and Mirumachi, 2008) به این نتیجه رسیدند که مناقشه و همکاری دو روی یک سکه هستند که می‌توانند با هم و در کنار هم وجود داشته باشند و لزوماً مقابل یکدیگر قرار ندارند که اشاره به تعامل و تقابل همزمان مناقشه و همکاری دارد. آنها همچنین معتقدند که تمام مناقشات لزوماً بد و تمام همکاری‌ها نیز لزوماً خوب نیستند که این مسأله اشاره به فلسفه سوم مطرح شده درباره مناقشه دارد. چنین نتایجی در ادبیات تحقیق مناقشات آبی نتایج بسیار بزرگی بوده است، اما این موضوع که مناقشه لزوماً بد نیست، در مطالعات قبل از مطالعات زیتون نیز مشاهده می‌شود (Christie, 1977; Lord et al., 1989; Singer, 1949). همچنین (Pondy, 1967) به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه‌ای که مناقشه در مقابل همکاری است و در پایان همکاری است که مناقشه به وجود می‌آید، پس از دو دهه از توسعه چنین رویکردی در ارتباط با مناقشه، نظر خود را به کلی تغییر داد و بیان کرد که چنین نیست که وجود مناقشه به معنای نبود همکاری باشد (Pondy, 1989). هرچند که چنین نظریه‌ای به پوندی نسبت داده می‌شود و او بود که برای اولین بار این نظریه را بسیار جدی مطرح کرد (Speakman and Ryals, 2010)، اما مرتبط کردن مناقشه با همکاری در مطالعات بسیار قبل‌تر از او نیز مشاهده می‌شود (Wright, 1951). با تمام کاستی‌ها و تأخیراتی که در این زمینه وجود دارد، مشخص می‌شود که محققان در این شاخه از مطالعات به دستاوردهای نوین مناقشه نزدیک‌تر شده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این

شاخه از مطالعات با اصطلاح بازی‌های همکارانه و غیرهمکارانه در نظریه بازی‌ها متفاوت است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعریف مناقشه، به سادگی شمردن مصادیق آن نیست و در ادبیات تحقیق، تعریف واحد، جامع و مورد اجماعی برای مناقشه وجود ندارد. نبود تعریف جامع و مورد اجماع برای مناقشه یکی از چالش‌های اصلی و بنیادین در حوزه مطالعات مناقشه به صورت عام و مناقشات آبی به صورت خاص بوده است که امروزه نیز همچنان به قوت خود باقی است. هدف از این مقاله، بازاندیشی در چیستی، ماهیت و مفاهیم اصلی مناقشه با تلاش برای تبیین کارکرد آن در مواجهه با مناقشات آبی است.

پسوند «طبیعی» برای تعریف منابع و سیستم‌های آبی کافی نیست زیرا رفتار انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، قانون، اخلاق، امنیت و غیره)، سیستم‌های آبی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر همین اساس، امروزه سیستم‌های آبی، سیستم‌های جفت‌شده درهم‌تنیده انسانی-طبیعی خوانده می‌شوند. با چنین دیدگاهی می‌توان دریافت که مرز سیستم‌های آبی به‌عنوان سیستم‌های درهم‌تنیده انسانی-طبیعی فراتر از مرز هیدرولوژیکی آن‌ها است. شاید از منظر طبیعی بتوان مرزی را برای یک سیستم آبی مشخص نمود، اما مرزبندی سیستم‌های آبی از منظر انسانی (اقتصادی-اجتماعی، نهادی، حقوقی، هیدروپلیتیکی و حتی فرهنگی-اخلاقی) اگر غیرممکن نباشد، کاری بسیار دشوار است. در این میان، مناقشات آبی به عنوان یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر سیستم‌های آبی، نوعی از مسائل آبی هستند که می‌تواند به صورت توأمان در حوزه انسانی و یا اکوسیستمی سیستم‌های آبی پدید آیند. بر همین اساس، تحقق مواجهه کارآمد با مناقشات آبی نیازمند مد نظر قرار دادن هر دو جنبه طبیعی و انسانی سیستم‌های آبی است زیرا ماهیت آب و سیستم‌های آبی، علاوه بر این که مناقشه را محدود و مقید نمی‌کنند (مثلاً به رقابت آب‌بران)، بلکه جوانب بسیار در هم تنیده‌تری را وارد معادلات مربوط به مواجهه با مناقشات آبی می‌کنند. برای نمونه، ظهور ابعاد سیاسی و امنیتی در ارتباط با مناقشات آبی در حوضه آبریز زاینده‌رود نمونه‌ای از چنین پیچیدگی‌ها در زمینه مناقشات آبی است. در مورد این مناقشه توافق‌نامه‌ای بین استانداران دو استان اصفهان و چهارمحال‌بختیاری امضاء شد که (Fasihi Harandi 2016) از آن به عنوان اولین رویداد دیپلماسی آب در نوع خود در ایران یاد کرده است. مناقشه با بروز در سیستم‌های درهم‌تنیده آبی و در تأثر از چنین بستری، علاوه بر جنبه طبیعی عموماً جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی،

سیاسی، امنیتی و فرهنگی به خود می‌گیرد. لازم به ذکر است که مطالب عنوان شده معطوف به ظرفیت بالقوه سیستم‌های آبی برای تشدید درهم‌تنیدگی‌های مناقشات آبی است نه لزوم آن. زیرا واضح است که تمام مناقشات آبی از درهم‌تنیدگی یکسانی برخوردار نیستند و ممکن است مناقشه آبی صرفاً به رقابت آب‌بران محدود باشد و مشکل ایجاد شده با یک بهینه‌سازی ساده نیز برطرف شود.

برای مواجهه با هر مناقشه و به کارگیری هر گونه مداخله، اولین و ضروری‌ترین اقدام تحلیل/نگاشت آن مناقشه است. برای تحلیل مناقشه سؤالات بسیاری می‌توان مطرح نمود که چهار سؤال اساسی (۱) مناقشه چیست و چه ویژگی‌های ماهیتی دارد؟ (۲) مولدهای ایجاد و تشدید مناقشه چیست؟ (۳) مناقشه شامل چه عناصری است؟ و (۴) با مناقشه چگونه باید مواجهه کرد؟ کلی‌ترین و اصلی‌ترین سؤالات در این زمینه هستند. تحلیل/نگاشت مناقشه، چگونگی یافتن پاسخ به سؤالات مزبور در مورد مناقشه است. همانگونه که پیش‌تر نیز بیان شد، مناقشه از منظر ماهیت، ترکیبی از عینیت و ذهنیت است و معمولاً به شکل فرآیندی پویا بروز می‌یابد. مناقشه با این که جنسی از تقابل دارد اما نیازمند تعاملی است تا در آن بروز یابد. مناقشه علاوه بر داشتن نتایج مخرب و نامطلوب می‌تواند هم‌زمان سازنده و محرک نیز باشد. هر مناقشه می‌تواند عناصر و جوانب بسیاری داشته باشد. علیرغم تعدد بسیار این عناصر، می‌توان آن‌ها را در زیرمجموعه چهار دسته کلی قرار داد. این چهار دسته شامل (۱) هویت‌های دخیل و درگیر در مناقشه، (۲) مولدهای مناقشه، (۳) جو^{۷۸} مناقشه و (۴) تغییرات^{۷۹} مناقشه هستند. مناقشات هیچ گاه علت واحدی ندارند و در بیشتر موارد، شناسایی و کشف علل مناقشه کاری دشوار، اما ضروری و اساسی است. مناقشات می‌توانند به تعداد تعدد آن‌ها علل متعدد و متنوعی داشته باشند. از منظر مواجهه با مناقشه مداخلات مختلفی نظیر (۱) ممانعت از مناقشه، (۲) فرونشانی مناقشه، (۳) مدیریت مناقشه، (۴) تعدیل مناقشه و (۵) دگردیسی مناقشه توسعه یافته‌اند. علاوه بر این مداخلات اصلی، اقدامات دیگری در مواجهه با مناقشه از جمله (۱) نگاشت مناقشه، (۲) تحلیل مناقشه و (۳) میان‌جی‌گری در مناقشه مطرح هستند.

با نظر به چهار سؤال اصلی درباره مناقشه، مشخص می‌شود که در مطالعات مناقشات آبی به بسیاری از ویژگی‌های مناقشه نظیر فرآیند بودن آن، اثرپذیری آن از ابعاد ذهنی و غیرمخرب و قابلیت سازنده بودن آن توجه نمی‌شود. علاوه بر این مشخص شد که دیدگاه غالب به مناقشات آبی، متناسب با فلسفه سنتی مربوط به اوایل قرن بیستم است و بیشتر ابزارهای مورد استفاده برای مواجهه با مناقشات آبی، ابزارهای توسعه داده شده مربوط به دوره جنگ سرد است. نقد اساسی در استفاده از این ابزارها در مواجهه با مناقشات آبی آن است که در این ابزارها،

- 13- Concerns
- 14- Incompatible
- 15- Properties of the Individual
- 16- Social Structure
- 17- Processes of Interaction
- 18- Incorporeal
- 19- Interpersonal
- 20- Intrapersonal
- ۲۱- تضاد، اصطلاحی در فلسفه و منطق است و از اقسام تقابل است. تعریف عامیانه این مفهوم این است که اگر تقابل دو امر به شکلی باشد که بودن هر یک مستلزم نبودن دیگری باشد اما امکان نبود هر یک ممکن باشد، آن تقابل از جنس تضاد است. اما مناقشه، پافشاری متقابل طرفین یک تقابل است. برای مطالعه بیشتر به (Farajzade Arnesa, 2019) مراجعه شود.
- 22- Functions
- 23- Ingredient
- 24- Parties
- 25- Issue
- 26- Elements
- 27- Opposition
- 28- Perceived Divergence
- 29- Action
- 30- Psychological Elements
- 31- Opposition
- 32- Interaction
- 33- Clash
- 34- Struggle
- 35- Opposition
- 36- Actor
- 37- Static
- 38- Dynamic
- 39- Situation
- 40- Manifest
- 41- Latent Conflict
- 42- Constructive
- 43- Destructive
- 44- Cooperation
- 45- United Nations System Staff College
- 46- Situation Profile
- 47- Causal Analysis
- 48- Stakeholder Analysis
- 49- Analysis of Conflict Dynamics
- 50- Trigger
- 51- Generator
- 52- Origin
- 53- Factor
- 54- Driver
- 55- The Circle of Conflict
- 56- Philosophical View
- 57- Traditional
- 58- Behavioral
- 59- Interactionist
- 60- Intervention
- 61- Conflict Prevention
- 62- Conflict Settlement
- 63- Conflict Management
- 64- Conflict Resolution

عناصر مناقشه مورد واکاوی قرار نمی‌گیرند و با فرض‌هایی ساده‌انگارانه، حذف یا به شدت ساده می‌شوند. بر این اساس، به مداخلات مختلف موجود برای مناقشه توجهی نمی‌شود. با این که تحلیل/نگاشت مناقشه طی دو دهه اخیر به عنوان اولین و ضروری‌ترین مرحله در هر گونه مواجهه با مناقشه عنوان می‌شود، مطالعات مربوط به تحلیل/نگاشت مناقشات آبی بسیار اندک و انگشت‌شمارند. از طرفی با درهم آمیختن پیچیدگی‌های مناقشه و سیستم‌های آبی، امروزه برخی از مناقشات آبی به مسائل بدخیم^{۸۰} برای جوامع بشری تبدیل شده‌اند. بر این اساس، استفاده از تجارب سایر علوم در زمینه مواجهه با مناقشات آبی ضروری است. این در حالی است که با دقت به مطالعات و تحقیقات مختلف در این زمینه نمی‌توان از توجه به چنین ظرایفی اطمینان حاصل نمود. در این پهنه وسیع از خلاءهای تحقیقاتی، کمترین اقدام منطقی محتمل که پیشنهاد می‌شود و دور از دسترس نمی‌نماید، همگام شدن مطالعات مناقشات آبی با مفاهیم موجود در مطالعات نوین مناقشه است. آن چه که امروزه از آن به عنوان تحلیل/نگاشت مناقشه یاد می‌شود.

بر اساس آن چه بیان شد، توصیه می‌شود که در مواجهه با مناقشات آبی تنها به جنبه طبیعی سیستم‌های آبی اکتفا نشود و جوانب مربوط به جنبه انسانی نیز مورد توجه قرار گیرد. تحقق چنین امری نیازمند بررسی عناصری است که هر مناقشه به طور بالقوه می‌تواند از آن برخوردار باشد. از جمله مهم‌ترین عناصر هر مناقشه می‌توان به هویت، مولد، و تغییرات آن مناقشه اشاره کرد که هر یک می‌تواند عناصر دیگری در زیرمجموعه خود داشته باشد. علاوه بر این، ضروری است به جای استفاده از اصطلاحات نادقیقی نظیر «حل اختلاف»، باید به انواع مداخلات موجود در ادبیات تحقیق نظیر ممانعت، فرونشانی، مدیریت، تعدیل، و دگردیسی مناقشه توجه ویژه شود. همچنین توجه ویژه به مبحث تحلیل/نگاشت مناقشه قبل از هر گونه اقدامی برای مداخله با هر مناقشه ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Conflict
- 2- Stakeholder در برخی منابع فارسی این واژه گرودار ترجمه می‌شود
- 3- Deal with
- 4- Integrated Water Resource Management
- 5- Aspects
- 6- Objective
- 7- Generator
- 8- Phenomena
- 9- Situation
- 10- Subjective
- 11- Process
- 12- Property

- Detges A, Pohl B, Schaller S (2017) A new climate for peace-10 violent water conflicts, Adelphi. Available at: <https://www.newclimateforpeace.org/blog/editor's-pick-10-violent-water-conflicts>.
- Deutsch M (1973) The resolution of conflict constructive and destructive processes. Yale University Press, 448p
- Deutsch M, Coleman PT, Marcus EC (2011) The handbook of conflict resolution: theory and practice. John Wiley Sons Inc, 1264p
- DFID (2002) Conducting conflict assessments: guidance notes. DFID, 52p
- Dinar A, Alemu S (2000) The process of negotiation over international water disputes: The case of the Nile basin. *International Negotiation* 5(2):331–356
- Dunnette M D, Hough L M (1976) Handbook of industrial and organizational psychology. The nature and causes of job satisfaction, 520p
- Farajzade Arnesa M (2019) Analytical conflict mapping in the complex water system of Urmia Lake Basin. M.Sc. Thesis in Water Resources Engineering, Tarbiat Modares University (In Persian)
- Fasihi Harandi M (2016) Preface: Zayanderud conflict: the solution is negotiation, what is the problem? *Iran-Water Resour Research* 12(3):0-1 (In Persian)
- Fayos C B (2002) Competition over water resources: analysis and mapping of water-related conflicts in the catchment of Lake Naivasha (Kenya). Ph.D. Thesis, ITC
- Fink C F (1968) Some conceptual difficulties in the theory of social conflict. *Journal of Conflict Resolution* 12(4):412–460
- Fisher R (2000) Sources of conflict and methods of conflict resolution. *International Peace and Conflict Resolution*, School of International Service, The American University, 6p
- Fisher S, Matovic V, Ludin J, Abdi DI, Walker BA, Smith R, Mathews D, Williams S, Williams S (2000) Working with conflict: skills and strategies for action. Zed Books, 208p
- Folger J, Poole MS, Stutman RK (1993) Working through conflict: Strategies for relationships, groups, and organizations. Harper Collins, 368p
- Fraser NM, Hipel KW (1979) Solving complex conflicts. *IEEE Transactions on Systems, Man and Cybernetics*, SMC 9(12):805–815
- Freud S (1916) Some character-types met with in psycho-analytic work. In *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*, 65- Conflict transformation
- 66- Anticipation
- 67- Violence Conflict
- 68- Contending Parties
- 69- Issues at Stake
- 70- Orientation
- 71- Structure
- 72- Addressing
- 73- Conflict Mediation
- 74- Conflict Analysis
- 75- Conflict Mapping
- 76- Conflict Onion
- 77- Conflict Timeline
- 78- Atmosphere
- 79- Conversion
- 80- Wicked Problem

۷- مراجع

Ackermann A (2003) The idea and practice of conflict prevention. *Journal of Peace Research* 40(3):339–347

Alexander JM, Saaty TL (1977) The forward and backward processes of conflict analysis. *Behavioral Science* 22(2):87–98

Areff S (2015) Anything but war is good enough-conflict mapping, Sarajevo, Bosnia and Herzegovina. PhD. Thesis, The University of Oxford.

Aubert V (1963) Competition and dissensus: Two types of conflict and of conflict resolution. *Journal of Conflict Resolut* 7(1):26–42

Bernard J (1950) Where is the modern sociology of conflict. *American Journal of Sociology* 56(1):11–16

Bercovitch J (1984) Social conflict and third parties: strategies of conflict resolution. Westview Press, 163p

Bright LS (2011) The conflict mapping chart. Retrieved December, 15p

CDA (2016) Reflecting on peace practice (RPP) Basics. A Resource Manual. Cambridge, MA, CDA Collaborative Learning Projects, 86p

Christie N (1977) Conflicts as property. *The British Journal of Criminology* 17(1):1–15

Conrad C (1991) Communication in conflict: Style-strategy relationships. *Communication Monographs* 58(2):135–155

Cooper HT (2003) What is conflict how are conflicts resolved. *Journal of Police Crisis Negotiations* 3(1):85–100

Coser LA (1998) The function of social conflict. Routledge, 187p

- Mianabadi H (2016) *Hydropolitics and conflict management in transboundary river basin*. Ph.D. Thesis, Delft University
- Miller CA, King ME (2005) *A glossary of terms and concepts in peace and conflict studies*. University for Peace San Jose, Costa Rica, 122p
- Mirnezami seyed J, Bagheri A (2017) *Assessing the water governance system for groundwater conservation in Iran*. *Iran-Water Resour Research* 13(2):32–55 (In Persian)
- Moore CW (2014) *The mediation process: Practical strategies for resolving conflict*. John Wiley & Sons, 704p
- Müller HJ, Dieng R (2012) *Computational conflicts: Conflict modeling for distributed intelligent systems*. Springer Science & Business Media, 242p
- Myerson RB (2013) *Game theory*. Harvard University Press, 600p
- NPI (2012) *A validated report of the national conflict mapping and analysis with recommendations for actors*. NPA, 48p
- NSC, (2011) *National conflict mapping and analysis: peace and conflict trends in Kenya*. NSC, 55p
- Oliva F, Charbonnier L (2016) *Conflict analysis handbook a field and headquarter guide to conflict assessments*. United Nations System Staff College, 217p
- PBL, (2018) *Linking water security threats to conflict*. PBL, 80p
- Petersen-perlman JD, Veilleux JC, Wolf AT (2017) *International water conflict and cooperation: challenges and opportunities*. *Water International* 42(2):105–120
- Pondy LR (1989) *Reflections on organizational conflict*. *Journal of Organizational Change Management* 2(2):94–9
- Pondy LR (1967) *Organizational conflict: Concepts and models*. *Administrative Science Quarterly* 12(2):296–320
- Pruitt DG, Rubin J (1994) *Social conflict: Escalation, stalemate, and settlement*. McGraw-Hill Book Company, 269p
- Robbins SP (1978) *Conflict management and conflict resolution are not synonymous terms*. *California Management Review* 21(2):67–75
- Sandole DJ, Byrne S, Sandole-Staroste I, Senehi J (2009) *Handbook of conflict analysis and resolution*. *Choice Reviews Online*, 542p
- Volume XIV (1914-1916): *On the History of the Psycho-Analytic Movement, Papers on Metapsychology and Other Works* 309-333
- Funder M, Mweemba C, Nyambe I, Van Koppen B, Ravnborg HM (2010) *Understanding local water conflict and cooperation: The case of Namwala District, Zambia*. *Physics and Chemistry of the Earth* 35(13-14):758–764
- Galtung J (1969) *Peace by peaceful means: Peace and conflict, development and civilization*. Sage, 289p
- GENCAT (2014) *Conflict mapping*. Inici. Departament de Justícia 79p
- GPPAC (2015) *Conflict analysis framework: Field guidelines and procedures*. CDA, 71p
- Group ARK, February D (2016) *The Syrian conflict: A systems conflict analysis*. ARK, 78p
- Hashemi M, Mazandarani Zadeh H, Daneshkare Arasteh P, Zarghami M (2020) *Evaluation of management policies to simultaneously maintain groundwater resources and farmers' livelihoods Using the System dynamics and Game Theory*. *Iran-Water Resour Research* 16(3):1-17 (In Persian)
- Islam S, Susskind L (2018) *Using complexity science and negotiation theory to resolve boundary-crossing water issues*. *Journal of Hydrology* 562(1):589–598
- Jeong H-W (2008) *Understanding conflict and conflict analysis*. Sage, 282p
- Lee J-hyuck (2019) *Conflict mapping toward ecotourism facility foundation using spatial Q methodology*. *Tourism Management* 72(2019):69–77
- Liu J, Dietz T, Carpenter SR, Alberti M, Folke C, Moran E, Pell AN, Deadman P, Kratz T, Lubchenco J, Ostrom E (2007) *Complexity of coupled human and natural systems*. *Science* 317(5844):1513–1516
- Lord WB, McGuire TR, Wallace MG (1989) *Efficient and equitable solution of Indian reserved rights*. *Water Resources Research Center, University of Arizona*, 28p
- Loucks DP, Van Beek, E (2017) *Water resource systems planning and management: An introduction to methods, models, and applications*. Springer, 680p
- Lyamouri-Bajja N, Ohana Y, Markosyan R, Abukatta O, Dolejšiová D, Vidanovic A (2013) *Youth transforming conflict*. Council of Europe, 310p
- Mack RW, Snyder RC (1957) *The analysis of social conflict-toward an overview and synthesis*. *Conflict Resolution* 1(2):212–248

- Wall JA (1985) Negotiation, theory and practice. Scott Foresman, 182p
- Wallensteen P (2002) Understanding conflict resolution. SAGE, 337p
- Warren HC (1934) Dictionary of psychology. Houghton Mifflin
- Wehr P (2006) Conflict mapping. beyond intractability Eds. Burgess, G and Burgess, H. Conflict information consortium, University of Colorado, Boulder
- Wehr P (1979) Conflict regulation. Boulder, Colorado, 270p
- Wolf AT (2005) Transboundary water conflicts and cooperation, in search of sustainable water management: International lessons for the american west and beyond. Edward Elgar Publishing, 185p
- Wolf AT, Yoffe SB, Giordano M (2003) International waters: Identifying basins at risk. Water Policy 5(1):29–60
- Wright Q (1951) The nature of conflict. Political Research Quarterly 4(2):193–209
- Wu X, Whittington D (2006) Incentive compatibility and conflict resolution in international river basins: A case study of the Nile basin. Water Resources Research 42(2):1-15
- Zeitoun M, Mirumachi N (2008) Transboundary water interaction I: reconsidering conflict and cooperation. International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics 8(4):297–316
- Zeitoun M, Warner J (2006) Hydro-hegemony- A framework for analysis of trans-boundary water conflicts. Water Policy 8(5):435–460
- Sandole DJ (1998) A comprehensive mapping of conflict and conflict resolution: A three pillar approach. Peace and Conflict Studies 5(2):1-30
- Singer K (1949) The meaning of conflict. The Australasian Journal of Psychology and Philosophy 27(3):145–170
- Speakman J, Ryals L (2010) A re-evaluation of conflict theory for the management of multiple, simultaneous conflict episodes. International Journal of Conflict Management 21(2):186–201
- Swain A (2011) Challenges for water sharing in the Nile basin: Changing geo-politics and changing climate. Hydrological Sciences Journal 56(4):687–702
- SWH (2005) Local conflict and water: addressing conflicts in water projects. Stockholm Swedish Water House, 43p
- Thomas KW (1992) Conflict and conflict management: reflections and update. Journal of Organizational Behavior 13(3):265–274
- Thomas KW, Kilmann RH (2008) Thomas-Kilmann conflict mode instrument. TKI Profile and Interpretive Report, 11p
- Tjosvold D, Van der Vliert E (1994) Applying cooperative and competitive conflict theory to mediation. Mediation Quarterly 11(4):303–311
- UN Water (2013) Water security and the global water agenda. United Nations, 47p
- UNDG (2016) Conducting a conflict and development analysis tool. CDA, 203p
- UNDP (2003) Conflict-related development analysis. CDA, 66p
- UNDP (2012) Civil affairs handbook. CDA, 254p
- USAID (2012) Conflict assessment framework. USAID, 66p